

دوره نهم تقنینیه

جلسه ۴۶۹

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

۱۸ آبان ماه ۱۳۱۲ - ۱۹ رجب ۱۳۵۲

...

قیمت اجزاء { سالنامه : ۲۵ ریال
داغله : ۲۵ ریال
خارجی : ۱۰۰ ریال }
نک شماره : دو ریال

...
مجلس

شماره مسلسل : ۵۹۰

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۱۸ آبان ماه ۱۳۱۲ * (۱۹ رجب ۱۳۵۲)

فهرست مذاکرات

- | | |
|--|--|
| ۱) تصویب صورت مجلس | ۵) شور و تصویب لایحه تعیین تکلیف مخارج و عوائد راه آهن و |
| ۲) طرح و تصویب لایحه خرید لکوموتیو و واگن | |
| ۳) شور و تصویب لایحه اعتبار ساختمانی طرق | |
| ۴) معرفی معاون وزارت پست و تلگراف و تلفن | |
| ۶) شور و تصویب لایحه اعتبارات | |
| ۷) تقدیم سه فقره لایحه از طرف کفیل وزارت معارف | |
| ۸) بقیه شور لایحه اصلاح مالیات بر عایدات | |
| ۹) موقع دستور جلسه بعد | |
| ۱۰) سه کشتی رانی آذربایجان و خط زاهدان | |
| ۱۱) شور اول لایحه اصلاح مالیات بر عایدات | |

(مجلس در ساعت قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید)

صورت مجلس روز یکشنبه چهاردهم آبان ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند * * *

[۱ - تصویب صورت مجلس]

رئیس - در صورت مجلس نظری بدست (گفته شد - خیر) صورت مجلس تصویب شد.

[۲ - شور و تصویب لایحه اعتبار خرید لکوموتیو و واگن]

رئیس - خبر کمیسیون بودجه راجع بپرداخت مخارج راه آهن مطرح است.

وزیر طرق (آقای منصور) - اگر اجازه بفرمائید لایحه اضافه اعتبار طرق مقدم باشد. جزو همین سه لایحه است که تقدیم کرده بودم.

رئیس - فعلاً لایحه راجع به لکوموتیو را مطرح میکنیم تا بعد آن لایحه راه آهن میرسیم.

خبر کمیسیون:

لایحه وزارت طرق تحت نمره ۱۵۱۰۹ راجع بقضای مبلغی اعتبار از محل وجوه انحصار قند و چای برای خریداری لکوموتیو و واگن در کمیسیون بودجه مورد شور واقع و بالاخره با پیشنهاد دولت موافقت و اینک خبر آن تقدیم می شود.

ماده واحده - بوزارت مالبه اجازه داده می شود بمبلغ مبلغ یکصد و پنجاه هزار لیره از وجوه انحصار قند و شکر و چای برای خریداری واگن و لکوموتیو و اشیاء لازمه تعمیرات واگن و لکوموتیوهای قطی راه آهن با اختیار وزارت طرق بگذارد.

(مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)

* * * عین مذاکرات مشروح چنین و ششدهین جلسه از دوره نهم تفهیمیه

دائرة تدوین و تحریر صورت مجلس

* * * اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین بی اجازه - آقایان : دیر سهرابی - خواجوی - رحنا - معلومی - منشی - خواب یزدی - اعظم زنگنه - امیر تیمور - اقبال یونس آقا و عاب زاده - کفائی - چایچی - کورس - محسن آقا مهدوی - پارسا - یات - آکو - دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : احمدی - انصاری - استقبالی - دکتر ادهم - محمود تاجی - قوام - هراز - دکتر لقمان.

رئیس - ماده واحد مطرح است. آقای روحی

روحی - عرض ندارم

رئیس - اشکالی ندارد (گفت شد - خبر) موافقین

ورقه سفید خواهند داد

(اخذ آراء بعد آمد ۸۴ ورقه سفید تعداد شد)

رئیس - عدد حاضر در موقع اعلام رأی ۹۹ نفر

با کثرت ۸۴ رأی تصویب شد

[۳ - شور و تصویب لایحه اضافه اعتبار ساختمان طرق]

رئیس - خبر کمیسیون بودجه راجع بلاایحه اعتبار

طرق مطرح است.

خبر کمیسیون:

لایحه نمره ۱۶۹۱۴، ۱۵۱۱۱ دولت راجع بقاضای اعتبار
مبلغی معادل ۷۸۵۰۰۰۰ ریال از محل وجوه ذخیره مملکتی
برای مصارف ساختمانی طرق در هذمه السنه ۱۳۱۲ در
کمیسیون بودجه مطرح باتوضیح اینکه آقای وزیر طرق
پان و لزوم آن را خاطر نشان نمودند کمیسیون بودجه با
پیشنهاد دولت موافقت و علیهذا ماده واحد پیشنهادی را
عیناً بمجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید.

رئیس - عین ماده واحد پیشنهادی دولت قرائت میشود:

ماده واحد - وزارت مالیه مجاز است از وجوه ذخیره
مملکتی مبلغ ۷۸۵۰۰۰۰ ریال برای مصارف ساختمانی
طرق در سال ۱۳۱۲ بوزارت طرق بردارد

رئیس - اشکالی ندارد؟ آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - البته هر چه برای طرق تصویب

شود همه موافق هستیم بابت اینکه راههای مملکت
اتومبیل رو و کامیون رو می شود و وسائل تسهیل برای

با يك مبلغ جزئی راه بین راور و کرمان متوجه شود
آنوقت از آنجا اتصالات بر دوس چندان اشکالی ندارد
الآن فرض بفرمائید از کرمان تا طهران دوست و دوازده
فرسخ است از اینجا تا خراسان صد و چهل فرسخ است
یکتر میخواهد با کامیون از کرمان برود به خراسان باید
سصد و پنجاه فرسخ را طی کند در حالی که آن راه صد
و چهل فرسخ است و شصت فرسخ آن هم شوشه است
اگر این قسمت را شوشه بکنند اولاً خراسان را متصل
میکند بدریای آزاد و ثانیاً راه تجارنی نزدیک است که
افتتاح می شود این يك هفته است و يك هفته هم که در
وزارت طرق هست و مبلغی خرج کرده اند در این راه
راهی است که از طرف بر جند به شهداد آمده و از شهداد
از راه سیرج می آید بکرمان و تا بحال وزارت طرق با نفی
هم در راه سیرج که بین شهر کرمان و شهداد است خرج
کرده و این راهها هم منظور باصلاح اثر مانده و بهم
متصل نشده است بنده خواستم در اینجا از موقع استفاده
کم و از آقای وزیر طرق استدعا کنم که اگر ممکن
است از این اعتبار بمسال مبلغی خرج افتتاح این راه بکنند
وزیر طرق - این راهی که فرموده البته راه مهم و
مفیدی است و در نظر ما هم هست و چنانچه خودشان هم
فرمودند مشغول مطالعه در نقشه جانش هستیم که بینیم از
این خطوط مختلفه کدام یکی بهتر است و البته راهی که
بهر و با صرفه تر باشد اتخاذ میکنیم و البته نقشه اش که
قلمی شد اقدام میکنیم حالا اگر بمسال زسد حتماً در
سال آینده اقدام می شود.

رئیس - اشکال دیگری نیست. موافقین ورقه سفید
خواهند داد

(اخذ آراء بعد آمد ۷۷ ورقه سفید تعداد شد)
رئیس - عدد حاضر در موقع اعلام رأی ۹۴ نفر با کثرت
۷۷ رأی تصویب شد

[۴ - معرفی معاون وزارت پست و تلگراف و تلفن]

رئیس - آقای وزیر پست و تلگراف

وزیر پست و تلگراف - (آقای دولت شاه) آقای

میرزا سید محمد خان رضوی را بمعاونت وزارت پست و
تلگراف و تلفن بمجلس مقدس معرفی میکنم

[۵ - شور و تصویب تعیین تکالیف مخارج راه آهن
و کشتی رانی آذربایجان]

رئیس - خبر کمیسیون بودجه راجع با اجازه پرداخت مخارج
راه آهن و کشتی رانی آذربایجان قرائت می شود
خبر کمیسیون:

کمیسیون بودجه با حضور آقای وزیر طرق لایحه نمره
۱۵۲۷۵ دولت راجع به مخارج مؤسسه راه آهن و کشتی رانی
آذربایجان را مطرح و تحت شور و مدافعه فرار داده نظر
بتوضیحاتی که آقای وزیر پان و بالاخص نظریه اخیر
دولت را در خصوص کلیه راه آهن های مملکت خاطر
نشان و اظهار نمودند تصمیم گرفته شده عایدات و مخارج
کلیه راه آهن های ایران در حساب مخصوص گذاشته شده
و با شرایطی مخارج آنها از محل همان عایدات مصرف
شود که اولاً صرفه جویی هایی در کار و مخارج ایجاد و
ثانیاً احتیاج دولت برای خواستن اعتبارات تا اندازه ای
مرتفع شود کمیسیون بودجه با نظریه دولت موافقت و نظر
باینکه لایحه پیشنهادی فقط شامل راه آهن و کشتی رانی
آذربایجان بود و نسبت بخط زاهدان اشاره ای نشده بود
آقای وزیر طرق ماده واحد ذیل را از طرف دولت بجای
مواد پیشنهادی سابق پیشنهاد و کمیسیون هم موافقت نموده

- اسامی موافقین - آقایان: خواجوی - دکتر قول ایلیچ - دادور - اورنگ - بهیانی - میرزا موسی خان مرآت - سهرابخان
ساگیان - قوام - میرزائی - اسدی - دکتر شیخ - لاریجانی - دکتر امیر اطم - دکتر احتشام - هزار جریبی - دکتر ادهم - لقیوانی -
مسعود خراسانی - شریقی - دکتر بهرامی - علوی - بزواردی - کاشف - احتشامزاده - جرجانی - مصنف - طباطبائی دیا - حاج قزاقو مابزاده
منعم - پختیار - حسنعلی میرزا دولتشاهی - تقی الاسلامی - خزونی - فهیمی - سید کاظم پردی - حیدری - محیط - انور - حاج قلامه - بن ملک
مؤید قوامی - صدوق جهانشاهی - دکتر ضیاء - دکتر ملکزاده - مدایت - طالش خان - رهبری - حاج محمد رضا بهیانی - میرزا علیخان وکیلی
شاهروزی - طاهری - اسکندری - معمل - امامی - شیرازی - میرزا بانس - پناهی - درویشی - مقاری - بنکدار - حبیبی - افتخار -
دیرسهرابی - مغیر فرزند - مجید ضیائی - دکتر لقمان - دیستانی - مؤید احمدی - دهستانی - مولوی - حاج میرزا حسینخان - قاسمی - منعم ستک
مزدومی - دکتر ستک - دکتر سیسی - کمالی - پور سرریب - نیکبور - توفیق

- اسامی رأی دهندگان - آقایان: کازرونیان - کاشف - دکتر شیخ - قوام - میرزا بانس - معمل - دکتر قول ایلیچ -
لاریجانی - سلطانعلی شیخ الاسلامی - علوی - سزواردی - طالش خان - دکتر بهرامی - مصنف - مؤید احمدی - تقی الاسلامی - حاج محمد رضا بهیانی
مسعود تاجی - دکتر ضیاء - خزونی - کازرون - پور سرریب - منعم - مزدومی - حیدری - ایزدی - احتشامزاده - مدایت -
درویشی - لقیوانی - سید محمد تقی طباطبائی - شاهروزی - میرزا موسی خان مرآت - حاج علامه حسین ملک - کمالی - مغیر فرزند
شیرازی - دیستانی - دکتر ملک زاده - یان - نیک پور - دکتر احتشام - محیط - بهیانی - طباطبائی دیا - روحی - مسعودی خراسانی
شریقی - دکتر سیسی - حسنعلی میرزا دولتشاهی - اسدی - انور - اورنگ - میرزائی - سهرابخان ساگیان - مجید ضیائی - مقاری -
دیرسهرابی - رهبری - میرزا علیخان وکیلی - پناهی - امامی - منعم ستک - دکتر امیر اطم - مولوی - احمد - اعتبار - تربیت - مؤید قوامی
سید کاظم پردی - حاج میرزا حسین خان قاسمی - دادور - اسکندری - بنکدار - ملکزاده آملی - دکتر ستک - حبیبی - فهیمی -
پختیار - افتخار - توفیق - حاج تقی آقا وهاب زاده - هزار جریبی - دکتر لقمان - نازی

و اینک برای تصویب مجلس شورای ملی خبر آرا قدیم میدارد

ماده واحده - وزارت مالیه اجازه داده می شود مخارج بهره برداری قسمت های راه آهن شمال و جنوب و هم چنین مخارج راه آهن و کشتی رانی آذربایجان و مصارف خط زاهدان را برطبق بودجه ای که هر سال به تناسب احتیاجات آن قسمت ها تنظیم می شود از عایدات قسمت های مزبور وزارت طرفی پردازد و هرگاه عایدات هر قسمت نسبت به مخارج آن کسر باشد از وجوه انحصار قندوشکر پرداخته بحساب قرض آن قسمت منظور دارد و در صورت اضافه بجمع عایدات قند و شکر و چای وارد نماید

بمصره ۱ - ترتیب محاسبات قسمت های بهره برداری شمال و جنوب و آذربایجان و مخارج خط زاهدان از اول سال ۱۳۱۲ مطابق مقررات این ماده معمول گردیده و مبلغ پانصد هزار ریال که بموجب قانون مصوب ۲ مهرماه ۱۳۱۲ از محل صرفه جوئی بودجه کل مملکتی براه آهن و کشتی رانی آذربایجان قرض داده شده مسترد و مبلغ ۱۳۰۳۲۰۰۰ ریال دینی که مؤسسه راه آهن و کشتی رانی آذربایجان بایجاد مالیات راه دارد پس داده می شود

بمصره ۲ - قسمتی از ماده ۲۳ قانون ششم بودجه ۱۳۱۲ مملکتی که مربوط براه آهن آذربایجان است و همچنین ماده ۳۰ قانون مزبور و قانون استقراض ۵۰۰۰۰۰ ریال مصوب ۲ مهرماه ۱۳۱۲ که اصطکاک با این قانون دارد ملغی می شود

رئیس - ماده واحده مطرح است. آقای طباطبائی دیبا

طباطبائی دیبا - توضیحاتی که آقای وزیر طرق در کمیسیون بودجه دادند البته کافی بود و با اساس این لایحه هم بنده مخالفتی ندارم ولی یکی دو فقره مطلب بود که میخواستم اینجا تذکر بدهم چون اینجا بودجه و مخارج راه آهن آذربایجان ذکر شده بنده میخواستم تذکر بدهم که مسئله بودجه طرق مدتهاست مکرر در کمیسیون بودجه حتی در مجلس هم تذکر داده شده است که بودجه باید بمجلس واید البته خاطر محترم آقایان مسبوق است که یکی از وظایف حقیقتاً اولیه مجلس شورای ملی رسیدگی بودجه مملکتی است بودجه طرق که تقریباً چهار پنج میلیون

دیگر تهیه کنند برای راه آهن آذربایجان اینجا دو فقره قرض است یکی پانصد هزار ریال یکی هم يك ميليون و سیصد و سه هزار و دویست ریال و اینجا اگر بنا شود راه آهن آذربایجان این دو فقره قرض را پرداخت کند آنوقت کسر عایدات خواهد داشت و اسباب اشکال میشود این است که میخواستم آقای وزیر طرق در این باب يك توضیحی بدهند که در این مسئله مقصودشان چیست که خواسته اند قرض راه آهن آذربایجان امساله پرداخت شود

وزیر طرق - فرمایشات آقای طباطبائی در واقع دو قسمت بود يك قسمت راجع باسناد اعتبارات طرق و راه آهن و اعتبارات سالیانه آن و يك قسمت هم راجع بود به متن لایحه که نظریاتی داشتند در قسمت اساسی مطلب که راجع با اعتبارات طرق و راه آهن بود اینکه فرمودید بودجه اش را مجلس نمی بیند بنده تصور میکنم این عایدات اختصاصی که برای عملهای معین مجلس تصویب میفرماید برای این است که دولت اجازه این خرج را دارد در حدودی که معین میشود بمصرف برساند خصوصاً قسمت ساختمانی که در جریان سال منصل بودجه اش و جزئیاتش در تغییر است این را بهیچوجه نمیشود يك جزئیات ثابتی برایش مدون کرد مثلاً برای ساختمان طرق است باراه آهن است اگر ما يك بودجه بمجلس تقدیم کنیم مثل بودجه های اداری این ساختمان درست درمیآید و لازم میآید که ما هر روز در مجلس يك تغییراتی تقاضا کنیم و پیشنهاد کنیم و بیشتر وقت را بگیرد پس وقتی که معلوم شد این اعتبار برای ساختمان راه آهن است البته دولت بموجب این اجازه بگرام ساختمانی را معین میکند مطابق مقررات مالی و قوانین بودجه و این ترتیبات وزارت مالیه که تقبش و نظارت و همه چیزها درش هست و عمل میکند این هم صرفه وقت برای مجلس دارد و هم مناسب تر است با عمل ساختمان و الادولت هیچوقت نظر ندارد که بودجه را از مجلس پنهان بدارد. در باب تکانی که راجع باصل لایحه فرمودید اولاً اینکه فرمودید قانون

انحصار قند و شکر ممنوع کرده است پرداخت وجهی را بفر محل راه آهن البته این مادامی است که يك قانون دیگری خود مجلس تصویب نکند وقتی که مجلس با يك دلائل يك قسمت از این عایدات را میخواهد بمحل دیگری تخصیص بدهد و قانونش وضع میشود این معجز است و اشکالی ندارد یکی دیگر راجع باین قرضه است که این حساب بهره برداری است اساس نظر ما راجع باین بهره برداری این است که از عایدات هر قسمت خرج آن قسمت تأذیه شود چنانچه راجع به راه آهن و کشتی رانی آذربایجان همین ترتیب بود که قانون پنج ساله داشت از آن حاصل میشد و خرج خودش میشد اما برمیخوریم بيك نقطه ای که آن عایدات کفایت نمیکند يك مخارج مسلم قطعی است که اگر آنرا نکنیم عدل راه آهن میخواهد و راه و محل دیگری ندارد این است که میگوئیم اساساً باید از عایدات خودش مخارجش بشود ولی اگر کسر آمد چه بشود نمیشود معطل گذاشت این است که يك اصل کلی در نظر گرفتیم که اگر کسر آمد از محل عایدات قند و شکر پرداخته شود و این بحساب قرضش گذاشته شود بعد از اینکه عایداتش کفایت کرد آن قرض تصفیه میشود اگر ما زادهم داشت که بعایدات قند و شکر اضافه میشود و صرف ساختمان میشود و اما اینکه فرمودید چه وقت این قرض تسویه میشود البته میشود معین کرد وقتی است که عایدات کفایت کند شاید مدتی هم طول بکشد يك قروضی دارد راه آهن آذربایجان که فرمودید اگر پرداخت شود چیزی برایش باقی نمی ماند چون استناد داده میکنند راه آهن آذربایجان از این قانون این جزء مخارجش میآید بنا بر این اگر محلی ندارند از این محل میبردارند قروض معوقه را تسویه میکنند تا وقتی که عایدات خودش کفایت کند و اصلاً حسابش تسویه شود.

رئیس - آقای ناصری

ناصری - بنده میخواستم پیشنهاد کنم که عبارت (بحساب قرض آن قسمت منظور دارد) در آخر ماده

واحد حلف شود برای اینکه علی ای حال حساب را نگاه خواهند داشت که بعد از پنجسال معلوم شود يك مقدار عایدات اضافه دارند فلاقتدرهم قرض دارند معلوم بشود حساب قرض نگاهداشتن تنها کافی نیست مگر اینکه حساب عایدات و اضافات هر دورا داشته باشند یا اینکه عسارت را اصلاح کنند.

ولی بر طرفی - بمقتدای معایرت همینطور باشد بهتر است برای اینکه ماهیخواهم يك حساب مجزائی برای هر يك از این قسمتها داشته باشند البته وقتیکه عایداتشان کافی نیست مقروض هستند و زیادتر هم که باشد البته طلبکار میشوند از عمل عایدات قند و شکر منتهی این جام مجوزی هست که این مازاد خرج عمومی ساختمان باشد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - آقایانی که موافقت دارند ورقه سفید خواهند داد (اخذ آراء بعمل آمده ۸۴ ورقه سفید نداد شد)

رئیس - عدد حاضر در موقع اعلام برای ۹۳ نفر با اکثریت ۸۵ رأی تصویب شد.

[۶ - شور اول لایحه اصلاح قانون مالیات بر عایدات]
رئیس - لایحه مالیات بر عایدات مطرح است. چون مفصل است و طبع شده قرائت لایحه محل احتیاج نیست **اورلک** - خیر لازم نیست.

رئیس - بعد هم ماده بماده خوانده میشود. مذاکره در کلیات است. آقای فهیمی

فهیمی - موافقم

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - بمقتدای بنده عادلانهترین مالیات مالیاتی است که از عایدات شخص گرفته می شود بر حسب قاعده وقتی بنده در يك مملکتی زندگی میکنم و دولت وسای امنیت و آسایش و حفظالصحه بنده را فراهم میکند البته عایداتی که میبرم باید يك مبلغی بدولت بدهم که دولت بتواند از آن مبلغ مخارج مملکت را ادا کند بنظر بنده عادلانهترین مالیات مالیات بر عایدات است لکن بنده در سه نکته بود چون این لایحه را دیشب مطالعه کردم در کلیات میخواستم يك موضوعاتی را عرض کنم و بعد بخواهم که مبرسب عقاید خودم را پیشنهاد بکنم پس بطور کلی و از حیث کلی این را تصدیق میکنم که عادلترین مالیات وضع مالیات بر عایدات است این شبهه ندارد لکن از طرفی اگر چه بنده بر حسب اطلاع خارجی که دارم آقای وزیر مالیه مشغول مطالعاتی هستند که واجعبه مالیات ررضی و سایر مالیاتها يك نظرهای جدیدی بکنند که يك آسایشهای فوق العاده شاید برای مردم بد فراهم شود البته چون خبر رسمی نیست بنده همینقدر عرض کردم لکن از طرفی هم بنده عرض میکنم که باید مالیات را متناسب باشخص وضع کرد و تماماً طریق اجرائیش را در نظر گرفت که مأمورین اصطکاکشان با مردم کم باشد هنوز ما البته به آن درجه نرسیده ایم که بنده خودم در سال حساب عایداتم را بکنم منم چقدر است در سال و مالیات دولت را بردارم بزم بگویم آقا این عایدات من اینقدر هم مالیات شماست بنده بدهم بنظر بنده این لایحه چون بالایحه سابق چندان فرقی نمیکند در قسمت مستخدمین که ارفاقی هم شده است که ناربتی دورا تقریباً معاف کرده اند تا جهل و دو تومان منتهی اضافات و خرج سفر و اینها را سابق ازش

- اسامی رأی دهندگان - آقایان : مسودی خراسانی - شریفی - دادور - دکتر قزل باغ - شیرازی - دکتر شیخ - فهیمی - مقدم - عراقی - روحی - معبط - دهستانی - جرجانی - دکتر احتشام - لاریجانی - دکتر امیر اعلم - فرش - رهبری - معمل - میرزا یانس - قزونی - مسعود آبی - حاج محمد رضا بهبانی - طالش خان - بنگدار - ملک زاده آملی - آقا رضا مهدوی - مؤیدفروانی - نریز - مزدی - دکتر قزاقان - صفاری - شامروزی - سهرابخان ساکینیلان - پشایی - حبیبی - میرزالی - اسدی - معصم سنک - اعتبار - میرزا موسی خان مرآت امامی - دبستانی - انور - سید کاظم بزوی - مصدق جهانشاهی - دکتر ملکزاده - باستانی - خواجوی - نازی - کاشف - میرزا علی خان وکیل - مؤید احمدی - دبیر سهرابی - طوی سبزواری - بختیار - دکتر سنک - دکتر انهم - نقه الاسلامی - اسد - اسکندری - دربانی - خوشی - ناصری - ایزدی - لیفوانی - دکتر بهرامی - لورنگ - انشار - حاج تقی آقا و عازاده - منصف - مجید شبلی - هدایت - طباطبائی ویا امیر ابراهیمی - بود سرتیب - هزار جریس - حیدری - فولم - نوبخت - بهبانی - دکتر سیدی - کازرونی - نیکیور.

چیزی نمیکرفتند حالا بگیرند لکن ظاهراً حالا ارفاق شده فقط چیزی که بنده در لایحه خطرناک می بینم بمقتدای خودم والبت آقای وزیر مالیه باید رفع این ترس را بکنند این است که بهلت اینکه ما میدانیم مأمور مالیه وقتی میخواهد خیلی از خودش نمجید بکند چه بگوید میگوید من بهتر وصول کردم بیشتر وصول کردم این يك اصلی است در وزارت مالیه که بنده چندسال در وزارت مالیه بودم هر يك از مأمورین مالیه خدمات خودش را شرح میداد ضمناً میگفت من فلان فلان شهر فرستادم سال قبل مالیات فلاقتدر بود من آنقدر زیاد کردم و باز خاطر می آید کوبا یکسال قبل بود در فرا کسیون يك لایحه وزیر مالیه سابق آوردند که هر که بیشتر وصول کرد يك انعامی باو بدهند همه آقایان در نظر دارند خوب آنوقت این اصلی که در یاد اختیار هم میدهند بمأمور مالیه که روی امارات و قرائت دارائی برای اشخاص فرض کند و ازشان بگیرد آن صل را هم در نظر داشته باشید که او میخواهد همیشه زیاد وصول کند و انعام را بگیرد و مورد تقدیر و تمجید بشود از این جهت میخواهد زیاد بگیرد امارات و قرائت هم بداین مملکت خیلی کار مشکلی است که آن اماره ها را بتوانیم دلیل بگیریم فلان آدم زیاد خرج میکند پس این دلیل است که در ایش زیاد است اینطور نیست اشخاصی هستند که می توانم بشمارم که فرض میکنند و انوییل نگاه میدارند یا بتالی میکنند یا کار دیگر میکنند آنوقت این قرائت و امارات را دلیل بگیریم بر عایدات اشخاص و از روی آن مالیات بگیریم این بنظر بنده اسباب زحمت فوق العاده در اجرای این قانون برای خود وزارت مالیه تولید خواهد کرد حالا البته آقای وزیر مالیه جواب خواهند فرمود که ما در ماده های بعد قرار گذاریم که او از روی اماره بدهد مالیات را ولی مؤدی هم حق دارد به کمسیون بگوید و کمسیون رسیدگی بکند باز حق دادیم بمساحکات بگوید بمساحکات که گشت آنوقت این مازاد را باو رد کنند این جوابی است صحیح و سالم اما بنده ایشان تذکراً عرض میکنم که در نظر بگیرید که این پول را از بنده روی اماره و قرائت گرفتند صد تومان مالیات بنده را تشخیص دادند از بنده گرفتند بنده عقیده ام

این است که باید پنجاه تومان بدهم حالاً ارفاق بکمیسیون در آنجا توانستم ثابت کنم بارقم مساحکات درجه عالی آنجا ثابت کردم که مالیات من پنجاه تومان بود و پنجاه تومان از من زائد گرفتند آنجا حکم میکنند که پنجاه تومان را بن پس بدهند مطابق این قانون آنوقت می آیم سر این موضوع نه اینکه بنده بخواهم امتقاد از وزارت مالیه بکنم قوانین مملکت ما اینطور است این پول را وقتی که گرفت مأمور مالیه میدهد و شکار مالیه در ولایات او هم مطابق متحد المالها باید پول را بدهد بانک ملی و او هم بدهد به مرکز وارد خزانه می شود و داخل می شود در محاسبات عمومی مملکت مطابق قانون محاسبات عمومی این خودمان وضع کردیم مطابق قانون محاسبات عمومی این پول اگر بخواهد برگردد اگر سال مالیش گذشته باشد بر نمبگردن نمیتواند خزانه بدهد سال مالی منقضی شده و محل نداریم این پول رفت جزو عایدات مملکتی و خرج شد و به تصرفش رسید البته آنوقت این آدمی که پول داده حکم مساحکات دستش است یا نوشته کمسیون دستش است و هر روز بوزارت مالیه رجوع کند و بگوید مادر بودجه سال آینده در نظر میگیریم يك مبلغی در بودجه بگذاریم که بدهند. بنظر بنده این چندماده باید يك جور نوشته شود حالا بنده فکرش را نکردم خود آقای وزیر مالیه در نظر بگیرند که طریقه وصول این شکل با اماره و قرائت زیاد بالا اقل این مبلغی را که میگیرند يك مبلغش را که مؤدی البته قائل بوده یعنی از صد تومان که گرفته پنجاه تومانش را قائل بوده که باید بدهم پنجاه تومان می رود بایدهات عمومی و این پنجاه تومان دیگر که محل اختلاف است و دیبه بماند در وزارت مالیه یاد بانک ملی یاد خزانه این پول را و دیبه بگذارند بعد اگر معلوم شد که مؤدی محق نیست برود بایدهات و اگر معلوم شد که محق است بحاجش رد کنند و الا اگر رفت بخزانه داری و مشمول قوانین محاسباتی شد دیگر برگشتش اشکال دارد مگر اینکه هر سال در بودجه يك مبلغی بگذارند برای این جور چیزها حالا او هم دست مردم را بگیرد یا نگیرد بنده نمیدانم عقیده بنده این است که مابه تفاوت و مازاد که محل اختلاف بین مؤدی و مأمور است آنرا و دیبه بگذارند در صندوق بانک ملی و همینطور هم در

نظر بگیرند اگر این آدم محق شد یا و رد بکند و اگر محق نشد برود با ابدان مملکت و خزانه البته این نظر بنده يك راه حلی است از طرف پرداختن لکن از طرف وصولش بنده فکر نکردم خود آقای وزیر مالیه باید در این موضوع فکری بکند که فقط اختیار دادن به امور که بصرف فرائن و اماره مالیات بگیرد نظر بنده اسباب زحمت فوق العاده برای مردم و برای خود وزارت مالیه تولید خواهد شد. موضوع دوم که باز بنده در نظر گرفته ام راجع به يك قسمت از اجرای این چون بنده هر قانونی که میآید البته بنده قانون را خوب میدانم می رود سر اجرائیش در اجرای اسباب اشکال برای مردم تولید میشود يك قسمت از این اشخاص از قبیل اطباء و وکلاء عدلیه این جور اشخاص را البته ممکن است بر حسب نظامنامه هائی که وزارت مالیه خیال دارد برای اجرای این قانون بتویسد در نظر بگیرند يك دفاتری برای عایدات خودشان ترتیب بدهند طیب چقدر ویزیت گرفته چقدر عایدش شده چقدر باید بدولت بدهد با آركای عدلیه همینطور مستخدمین دولت هم که کارشان آسان است آنها هم يك حقوقی است که از خود دولت میگیرند و سر ماه ازشان کسر میکنند و هیچ اشکال ندارد اشکال بر میگردد بسایر مردم شرکتهای هم بقیده بنده اشکالی ندارد برای اینکه لابد شرکتهای است ثبت شده است صاحبان شرکتهای دارد دفاتری دارد آنها هم بقیده بنده اجرائیش آسان است بر میگردد ببقیه مردم که در زندگانشان دفتر و حسابی ندارند اغلب اینطور است و بنده میخواهم عرض کنم که اکثریت مردم اینطور هستند شاید اغلب خود مان اینطور باشیم که در زندگیمان يك حساب منظم و مرتب و دفتر و عایدات که امسال چقدر عایداتمان بود مخارج لازم چه بود و چه خرج کردیم و نکردیم نداریم حالا بعد مرتب شویم و منظم شویم و باز در دهان خرج کنیم اینها مال آنها است بنده فکر میکنم این را چه جور اجرا میکنیم اگر صرف فرائن و امارات باشد که اسباب زحمت فوق العاده میشود با تجار آن تجاری که عرض کردم دفتر دارند دفتر خیلی

بین کسی که يك خطی را بگیرد و بيك جایی برسد و يك عملی را انجام بدهد و بيك نتیجه عملی بگیرد با کسی که فقط از خارج مطالبی را نگاه میکند. البته مذاکرات کسی که از خارج نگاه میکند خیلی مفید است فوق العاده بایستی درش دقت کرد و بسا اتفاق می افتد که انسان ازش شایع خوب میگیرد و خط خودش را ببیند يك اشخاص چاهائی دارد و عوض کند ولی خیلی سهل است که انسان از خارج يك موضوعی را نگاه کند و تفهیم بکند و خیلی فرق دارد با آن کسی که میخواهد عمل کند حالا بنده همین مطلب را نشان میدهم که يك تکه از فرمایشات آقای این بود که میفرمایند ما امور مالیه حسن خدمت خودش را در از یاد وصول عایدات میدانند و بنا بر این سعی خواهد کرد در هر موردی بیشتر مالیات وصول کند آنوقت ممکن است وقتیکه باو اختیار داده میشود او صرف نظر از اینکه آیا آنچه مطالبه میکند بیهوده است یا خیر يك چوهی را که مطالبه وصول میکند شاید برخلاف مقررات قانون باشد بل این ممکن است بنده نمیخواهم بگویم که خبر برخلاف انصاف بطور کلی هیچ کاری نمیشود. ممکن است بشود. ثباتاً اینکه فرمودند اگر ما میخواهیم فرائن را پایه فرار داده و روی فرائن و امارات بگوئیم که فو قان مقدار عایدات داری و اینقدر مالیات بده یعنی از روی اماراتی که برای عایدات تو فرض کردیم بیا مالیات بده ممکن است اشتباه کرده باشیم خوب. این هم ممکن است. خیلی هم ممکن است قبول داریم. ولی حالا که ما میخواهیم مالیات بگیریم چه جور بگیریم؟ مسأله را که فرمودند همه را تصدیق کردم شما هم خودتون تصدیق دارید و نمی توانید تصدیق نکنید که عادلانه ترین مالیات ها در دنیا مالیاتی است که از عایدات گرفته میشود بجهت این میگوئیم که فو قان قدر عایدی خالص داری باید باین تناسب بمخارج مملکت کمک کنی برای اینکه بتوانی این عایدات را پیدا کنی. خوب حالا که قرار شد این مالیات را بگیریم چه جور بگیریم مگر ما قائل باین هستیم که باید مالیه داشت که عالم بر مقییات باشد و خودشان باین

اسنادی که هیچکس نتواند درش حرف بزند و هیچکس نتواند در اورانش تردید کند و عایدات هر کسی را از روی واقع حساب کند. اگر چه چیزی ممکن بود البته خوب بود ولی از برای مردمان عادی بیسرفیست که اینطور بفهمند و اینقدر بساط و عام و مطلع باشند که باینکه اسناد مسلم و بیابند بگویند فو قان آدم این قدر عایدات دارد این قدر باید مالیات بدهد اگر این طور بود البته خیلی سهل بود ولی این عملی نیست ممکن است بگوئیم خود آن آدمی که میدانند عایداتش چیست بگویند مالیاتش چیست آقا در فرمایشاتشان هم آمدند و بيك کانهی را مثل زندقه و سر و دند بيك اشخاصی هستند که حساب درست ندارند و خودشان هم نمیدانند که عایدات و مخارجشان چیست. خوب. این دسته را ماحالاً کنار بگذاریم تا بعد میگوئیم با این دسته چه باید کرد. حالا ما دسته را میگیریم که خودشان میدانند عایداتشان چقدر است و خودشان همین کنند. پیشنهاد میفرمایند که بنده بیایم قبول کنم که هر که هر چه اظهار کرد بنده آن را ماخذ مالیات فرار بدهم. بنده عذر می خواهم از اشخاصی که ممکن است تصور کنند این حرفی که میزنم ممکن است حمل بر آنها شود ولی عرض میکنم در قانون سابق ما آمدیم و تقریباً يك همچو عقیده را پیدا کردیم و کفایت خوب و طریقه از افراد هستند که دارای معلوماتند و اهل قانونند و اینها بطور مستقیم از تمدن بيك مملکت و در چه پیشرفت مملکت استفاده میکنند و اینها را نمیشود گفت که اگر اظهار نامه بدهند تا حساب است. و اینها اطباء و وکلا بودند. (حالا آقای دکتر بيك زاده روی میزدست میزنند که اجازه میخواهند حرف بزنند ولی بنده هم بعد خواهم گفت و بیشتر توضیح خواهم داد) بنده از آقا و آقایان وکلای عدلیه خواهش میکنم که در این خصوص زیاد توضیح ندهند و الا بنده میایم اینجا و احتمالیه خودم را بگذارم روی بیز و برای استدلال خودم مجبور میشوم تجربه سه ساله را بیاورم اینجا در سال اول تمام مملکت ایران طیب درجه اول دوازده نفر پیدا شد در سال دوم شش نفر اجسال دو نفر. در سال

اول در تمام ایران و کپل درجه اول هفت نفر بود سال دوم نسی کرد و سال سوم يك نفر رسيد و آن يك نفر هم آقاي همراز بود اسم همراز و تمام اشخاصي كه ميپايست حدود بيست تومان ماليات بدهند حتى ارومان دادند. آقا نهدود در اينصورت با يك همچو تجربه باظهار نامه خود اشخاص ترتيب از داد. خود آقاي وليد احمدی هم لطف کردند و در کپسبون تبریف آوردند و تصدیق کردند که نهدود اظهار نامه خود اشخاص را قبول کرد پس چه کنیم آقا يك راه داریم و آن اين است که همانطوري که آقا و بنده و همه در زندگاني وقتي که بخواهيم باعتبار اشخاص نگاه کنیم وگر کنیم فلان هزاره را با فلان شخص ميکنيم و عايدات اين چه اندازه است مردم وقتي ميخواهند با هم وصلت کنند حساب ميکنند که ايا اين آدم دارد يا ندارد چکار ميکنند ميگويند خوب اين آدمي است چهارتا نوکر دارد يك اتومبيل دارد يك خانه دارد يك آبدان آدمي است که در سال اينقدر ماهه و ميکنند و اين عادي زندگي حساب ميکنند و بگويد يك کسي يك اتومبيل دارد چهارتا نوکر دارد دست و پاين در ماه کرايه خانه دارد اين آدم اگر روي فاعده عقلايي بخرايم زندگي کند (بكي از اينها ايندگان - هم روي فاعده عقلايي زندگاني نميکنند) لازمه ائي اينست که فلان قدر عايدات داشته باشد و فلانقدر بايد ماليات بدهد. اين فرالن را بايد پايه قرار داد. همه زن ميکنيد. اهي توابعم غبار اين ميکنيم اين مال آنهايي است که عقلايي زندگي ميکنند الان درسيم خودت کسانیکه عقلايي زندگي نميکنند (خنده نهايتدگان) و فقي که در زندگي ميخواهند داراي ديگران را تشخيص دهند چه ميکنند اينهم تشخيص ميدهند. بر هي کرده بآن تکه که پلي از آقاهايان اداره کرد که عقلايي زندگي نميکنيم. عرض ميکنم خودت آقاهايان که اينها را بنده تقسيم ميکنيم بدو دسته. يك دسته اشخاصي هستند که بهمناي قانوني صفتند براي اينکه معني صفت اينست که يك کسي امور مالي خوردني را ترتيب صحيح و عقلايي اداره نکند و اين صفتها قانوني است و همچنانچ بقم است. دليل ندارد که همه

همان لکري که آقا کردند ما هم داریم بدويم اگر ما نخواهيم بمأور مالیه بگوئيم که شما مطابق تشخيصي که داديد ماليات را معين کنيد اين يك کار علمي بود و بي منطقي و بالاخره مضر بحال افراد ميکن است باشد. دولت متصل در کده کش بايد باشد براي اينکه مأور مالیه البته همانطور که گفتند خدمتني را در اين ميدانند که بهتر وصول کنند. از اينجهت ما گفتيم ميزاني بايد در کار باشد و مطابق آن حساب و ميزان بايد تشخيص بدهند ميزان ها را هم با اختيار ماور نگذاشتيم گفتيم که ميزان ها مثلاً اين جور است از قبل حق العمل کرايه خانه. حق العالاج اين فرالن را ما ميزان لمرار داديم بعد گفتيم اين ها را نبايد گذاشت که فقط وزارت مالیه معين کنند با... يك نظامنامه معين کند. يعني چه چيز را مي شود فرالن قرار داد اين را گفتيم بهوجوب يك نظامنامه بايد باشد که باوجوب کپسبون قوانين مالیه برسد براي اين که بيشر درش بحث شود و يك اطمينان بيشر درش پيدا شود که بعد ماور اجراه که وزارت مالیه باشد بهوجوب آن نظامنامه رفتار کند البته آنطور که بايد و شايد نهدود که بحقيقت نزديك باشد کليات را ميتواند بگويد کرايه خانه عدا نوکر و کفالت و امثال اينها براي يك عائله فرته است حق العمل در کار يا حق ويزيت که طبيب ميگيرد يا حق الرکاه و اينها را مناط قرار داديم ولي اينهم صرفاً نهدود زيرا در هر جائي بکجور است فلان ۳ نفر نوکر در طهران يك عايدات بيشرتي را نشان ميدهد تا ۳ نفر نوکر در کاشان پس نهدود گفت که دلتم ۳ نوکر صرفاً مناط است براي اين بود که ما آمديم و گفتيم که بايد يك کپسبون مالي در محلها تکميل شود که آن فرالن کلي را که کپسبون قوانين مالیه تصويب کرده است آنها را معين کند که در هر محلي داشتن فلان دستگاه لازمه فلانقدر عايدات است عرض کردم فلان دورا اسب در طهران يك متعارج بيشرتي ميخواهد تا مثلاً در يك شهر ۳۰۰۰۰ چاک ديگري شايد آنها صفت متعارج لازم باشد اين بود که آمديم و گفتيم فرالن را بايد تا اين اندازه درش دولت و رسيدگي کنیم

که در هر محلي يك کپسبون مالي تکميل شود بنده تصور ميکنم منتهي معني و کردني که يك وزير مالیه بايد کرده باشد براي اينکه تشخيص ماليه براي دستگاه زندگي و عايدات مردم ميدهد دور از حقيقت باشد ما اينجا داده ايم حالا آقا بفرمائيد راه بهزي داريد بفرمائيد فرموديد الان بنظرم هي رسد فکر کنيد دور دور هست کپسبون هست تشريف بياوريد همه آقاها را ارشان بنده خواهش ميکنم و معني ميکنم اگر يك اورده وول و طريقي که بهتر از اين باشد بنظران برسد بفرمائيد بنده واقفاً خيلي خود دولت ميخوم مگر ما ها غرضي داريم مگر آقا خوردنان تصديق ندارند که بهمان اندازه که آقا دلشان ميخواهد کار موافقي ترتيب و مردم در رفتار باشند و دولت هم اين نظر را دارد (صحيح است) پس همه مان يك منظور را داريم شما هم اين مقصود را داريد که دولت عايدات بايد داشته باشد براي اينکه اول خود نان اظهار کردند پس مقصودتان متفاوت است منتهي من اينطور بنظرم رسيد که ماور مالیه پيش خودش نتواند بگويد که آقا شما آفندر بايد بدهيد بايد روي پايه و مدارك باشد ما چه چيز را پايه گرفتيم همان چيزهائي را که در زندگاني عادي براي تمام افراد مردم مأخذ است و همه روي آن حکم ميکنند و روي آن دستگاه ميگويند فلانقدر عايدات بايد داشته باشد منتهم روي همان پايه نگاه کردم باوجود اين احتياط کردم و گفتيم کپسبون مالي در هر محل بايد باشد و رسيدگي کنند و بعد از همه اينها گفتيم اين تشخيصي که ميدهيم قطعي است و يك تشخيصي است که برو و برگرد اوش نباشد ما گفتيم اين پايه و مأخذ عايداني است که بايد روي آن ماليات بدهي مهذا بسا حق ميدهيم که اگر دليلي داشت براي اينکه بانهاند زندگاني که مي کنند غير از عايداني است که دارد و هر جاي که مي کنند آفندر است که عايدات دارد مهذا تشريف بياورد در آن کپسبونها و رسيدگي ميکنند هر چه رأي دادند باشد اينجا يك اشکالي پيش بيني کردند که خودشان هم

جواب فرموده اشکالی که کردند صحیح بود و آن این بود که پول وقتیکه وارد میشود بجزانه سهولت نمیشود ازش بیرون آورد و اشکال دارد ولی این اشکال در چه وقتی است وقتی است که سال مالی گذشته باشد خوب خودتان هم اظهار فرمودید الا تم میگیریم منتهی در بودجه هر سال يك مبلغ پیش بینی میشود برای وجوهیکه دولت علاوه بر آنچه که باید بگیرد گرفته و باید پس بدهد این يك کاری است که الا تم میشود هر سه چهار روزیکمقریه بنده یکمده درخواست امضاء میکنم که فلان آدم ده تومان مثلاً از بابت مالیات فلان جا اضافه داده و باید حالا بهش پس داد و حالا البته بطور مرتب هر سال در بودجه باید مبلغی گذاشته شود برای این کار دیگر اشکالی ندارد برای اینکه با در سال مالی معلوم میشود که فلانقدر زیادی گرفته اند که در همان سال پس میدهند و اشکالی ندارد اگر هم سال آینده رسید وقتیکه مبلغی در بودجه منظور شد برای پرداخت این قبیل وجوه اضافی بعداً بهش پس میدهند اینهم اشکالی ندارد و چاره نیست آنجا که عرض کردم کسبیکه در عمل باید وظائفی را انجام دهد یا کسبیکه از خارج يك چیزی را نگاه میکند تکلیفشان فرقی نمیکند همین جاست آنرا نقطه نظر منطبق مافوق عمل (برای اینکه نگوییم غیر عملی میگوئیم مافوق عمل) البته حق دارید بگوئید این پولی را که شما میگیرید دستش نزدیک و آن جا و بده بگذارید ولی بنده فکر میکنم که مملکت هر ساله مخارج جاری دارد و باندازه عایداتی که پیش بینی میکند مخارج باید بدهد و جزو اعظم این مخارج را باید در آخر هر ماه بپردازیم خوب اگر بنا باشد يك مقدار زیادی اختلاف حساب بنده پیدا کردم با مالیات دهندگان این قانون و این وجوه را هیچ دست نرم و بدهم بگذارم آنوقت پرداختهاییکه در مواقع خودش در آخر هر ماه باید بشود او را از کجا باید بدهم از برای آن فرد با هر کدام دیگر کرده تومان است صد تومان است هزار تومان است ده هزار تومان پولی است آمده به آنجا بدون تنزیل این آدمیکه میفرمائید روی حساب کار نمیکرده چطور

حالا این قدر دقیق میشود که تصور میکنید از آن س تومان خودش که بیکار در وزارت مالیه مانده از او استفادهها میکرده از یکطرف قرض کردیم که این يك آدمی است که هیچ حسابی در کارش نیست خوب اگر اینطور است برای این آدم فرضاً که پنجاه تومان زیادی میدهد و بعد از چند ماه دیگر پس میگیرد اهمیتی ندارد ولی از برای بنده اهمیت دارد برای این که ممکن است این مبلغها زیاد شود و صد هزار تا پنجاه تومان جمع شود و برای صندوق مالیه اهمیت دارد ما نمیتوانستیم فکر کنیم باینکه این وجودها و بده بگذاریم یا پرداختهاییکه باید بکنیم نکنیم و بگوئیم صبر کنید بجهت اینکه يك عده پولشان نزد ما و بده است این نمیشود اینجا جایی است که آنوقت منطق عمل میآید پیش و جلوی منطق مافوق این عمل را که در وقت بین و حرف البته خیل خوب است میگیرد و میگوید همه آنها که گفتی صحیح است ولی من نمیتوانم عمل کنم پس بنده خیال میکنم با این مقدماتی که عرض کردم و حالا خلاصه میکنم که اشکالی در کار نباشد فرائضی را که بیرون قوانین مالیه معلوم میکند که چه چیزها را میشود فربه گرفت اینکه هر کدام از این فرائض در هر عملی نشانه و علامات چند عایدات است کمیسیونهای محلی معین میکنند بعد از این تشخیصات آنوقت يك پولی از او میگیرد اگر با ما اینحال از يك کس زیادی گرفتند آنوقت مطابق آن ترتیب بهش پس میدهند بنده تصور میکنم ما اینجا آمده ایم و سهم کردیم و جمع کردیم بین دو چیز هم انصاف و هم مصلحت مملکت از نقطه نظر عایدات نه خواستیم بگوئیم هر چیزی که ما تشخیص میدهیم و خوب انداز معین کردیم همان است و نمیشود از او برگشت از آنطرف هم نخواستیم بگوئیم که هر قدر اختلاف پیدا شد ما پول را نمیگیریم تازه اختلاف بشود یعنی پول را بگذاریم در يك صندوق درش را نقل کنیم تارفع اختلاف بشود ما هیچکدام از این دو کار را نکردیم يك کاری کردیم که هم عمل باشد و هم بر خلاف انصاف باشد و روی مرقه بنده

تصور میکنم (نه از نقطه نظر اینکه بنده این لایحه را آوردم خبر) روی مرقه وقتیکه بیایم این قانون را مقایسه کنیم با این قانونیکه الان هست و بعد از این از بین خواهد رفت می بینیم يك قانون عادلانه تری است و پایه حایض معلوم است مطابق آن قانون آن کسبیکه تا درجه اول حساب میشود دوست و پنجاه تومان باید بدهد آن یکی درجه دوم حساب میشود و صد و هشتاد تومان باید بدهد و حسابی نداشته باشد که بتواند عایداتش را نشان دهد ما آمدیم کار را بردیم روی عایدات و راههای رسیدگی را هم باقی گذاشتیم با وجود این مقدمات اگر هر کدام از آقایان پیشنهادی داشته باشند و مقصود ما را که عبارت است از وصول مالیات بطور عادلانه و تأمین مخارج مملکت است تأمین نماید و هر قدر روی که روی این مقصود غیر از این باشد بدهند ما قبول میکنیم.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

افسر - کافی نیست.

رئیس - بفرمائید چرا کافی نیست.

افسر - بجهت اینکه قانونی که پنجاه شصت ماده است (یکی از نمایندگان - احسن است این است که میفرمائید) اولاً این قانون را الان آورده اند بما دادند هیچیک از آقایان موافق را ملاحظه نغرموندند در کلیات هم بکنند بیشتر حرف زده این قانونی است که لافل چند نفر درش حرف بزده میفرمائید کافی است ما مساعد نراوی میدهیم رئیس - آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند (چند نفری برخاستند) تصویب نشد. آقای حکمت

[۶ - تقدیم سه فقره لایحه از طرف

آقای کلیل وزارت معارف]

میرزا علی اصغر خان حکمت (کفیل وزارت معارف) - چند فقره لایحه است برای استخدام معلمین مدرسه صنغی و مدیر عتبات که تقدیم میکنم بکمیسیون مربوطه ارجاع شود.

[۸ - بقیه شود لایحه اصلاح مالیات بر عایدات]

رئیس - آقای افسر

افسر - چنانکه عرض کردم قانون را تازه آورده و

بنده یکدور بمجله خواندم چند مطلب بنظر بنده رسید که میخواستم توضیح بخواهم یکی در این قسمت که مخارج را میزان گرفته اند عبارتی از فروض هیچ نیست يك کسی هزار تومان عایدات دارد و ده هزار تومان مطابق ثبت اسناد قرض دارد و سالی يك مبلغی تزول قرض را باید بدهد و سالی هزار و دوست هزار و پانصد تومان هم خرج میکنند این را چه جور حساب میکنند این قروض را از عایداتش کم میکنند یا خیر فرض کنید ده هزار تومان قرض دارد و ماهی پنجاه تومان هم باید تنزیل بدهد اگر او را کسر میکنند که بنده عرضی ندارم و اگر قروض نیست که باید تصریح شود بجهت اینکه بنده میدانم که خیلی از ادبهاست هشتاد هزار تومان قرض دارند و مثلاً سالی دو هزار تومان عایدی یا آنکه ملکش یا کلبه حاصلش را جایی گرو داده است و یا از ملکش اصلاً چیزی گیرش نمی آید يك عایداتی دارد ولی اصلاً ملکش را حاصل گرو داده است یا قیمت ملکش را که حساب کنیم پنج هزار تومان است ولی عایداتی ندارد بنظر بنده اگر این نکات در این قانون رعایت شده و بنده مانتقت نشدم که حرفی ندارم و الا باید در اینجا پیش بینی بشود دوم راجع به قسمت عوائدی است که کسی از راه اجاره پیدا میکند يك کسی يك ملک را اجاره میکند سالی يك مبلغی مثلاً هزار و پنصد تومان عایدی دارد وقتی که مالیات مستقیم را گذرانند و وقتی که معززی کردند و مالیات را روی روئیدی ملک معین کردند و گفتند که هر چه روئیده می شود مالیه حساب کرد و صدی سه و نیم به آن ترتیب گرفت پس این قانونی که حالا میگیرد همان چیزی است که اصلش را صاحب ملک داده و آن صاحب ملک که ملکش را داده به بنده و بنده عمل کرده ام او این مالیات را داده ببقیه بنده در اینجا هم باید معین بشود منافع ملک اربابی اگر اضافه پیدا کرد همان مالیات اضافی را بدهد هم چنین در املاکی که مالیات مستقیم دارد اینهم اگر در آنجا هست عیب ندارد و اگر نیست عرض میکنم با قبول وارد یا اگر در موقع موافقتش باید عرض بکنم عرض میکنم وزیر مالیه - راجع به تنزیل قرض مسلم است که اگر

يك كسى بلك عایداتی دارد و در مقابل هم يك قرض دارد كه هر سال يك مبلغی تنزیل بدهد این تنزیل از عایدات عمویش باید كسر بشود و مالیات از عایدات خالص باید گرفته شود ولی البته ما حتی الامكان سعی خواهیم كرد كه قرضهای صوری در مقابل مالیه بحساب نیاید و لكن اساس مسئله محل زدید نیست كه يك كسى كه يك قرضی دارد و يك تنزیلی میدهد باید آن تنزیل از عایداتش كسر بشود. اما راجع به قسمت دوم متأسفانه بنده با آن تعبیری كه آقا كردند موافق نیستم كه يك كسى اجازه داری ملك میکند و از آن اجازه داری عایدات می برد و آن عایدات هم بحدی است كه مشمول این قانون می شود آنوقت نباید بدهد! اگر اینطور باشد كه همین محصول تا وقتی كه مصرف می شود چندین قسم مالیات دیگر میدهد هر جنس را بگیرد همان گندم چندین قسم مالیات دیگر میدهد تا مصرف شود با اجناس صادراتی هر دستی كه می آید يك مالیاتی میدهد تا صادر شود خوب شما از بنده چرا مالیات میگیرید؟ میگوید صاحب ملك داده است. آقا صاحب ملك به نسبت عایدات خودش داده هر كسی نسبت به عایدات خودش باید بدهد بنده می آیم ملكی را اجازه میکنم ازش فایده ببرم البته باید به تناسب فایده ای كه میرم مالیات بدهم بعد این جنس را بفروشم به تاجر تاجر مطابق عایدات خودش باید مالیات بدهد بنده باید بدست كاتب دیگر او هم باید به تناسب عایدی كه از آن میرد مالیات بدهد

رئیس - آقای كاشف

كاشف - بقیه بنده در تمام این مواد فقط راجع به دو قسمت است و این دو قسمت اگر عملاً حل بشود بقیه مواد بقیه بنده اصولاً خیلی خوب است یکی موضوع تعیین عایدات خالص است كه در اینجا خیلی كلك است از قانون سابق هم كلك تر است و یکی هم همین عایدات خالص است البته هر كس يك نوعی تمبر میدهد عایدات خالص را ولی وقتی حساب پس دادند چنانكه كرارا گفته شده است از يك شركت تمبر شده هم يك توضیحاتی خواستند از مالیه كه به چه وجه من الوجوه مربوط نبوده در واقع باید این را در دسترس تمام تاجر و شركتها و هر كس كه مؤدی مالیاتی است بگذارند و

يك ترتیبی كه از این روشن تر باشد حالا اینجا يك اصلی را قائل شدیم گفتیم این جا كه عواید خالص چه چیز است. عبارت است از مجموع عایداتی كه شخصی كه مشمول این مالیات است باید بدهد منتهای مخارجی كه برای تحصیل آن عوائد لازم است و بعد هم در قسمت شركتها آمدیم يك چیزهایی را كه خیلی ممكن بود محل بحث بشود معین كردیم گفتیم: برای تعیین عایدات خالص شركتها اشیاء ساخته شده و مال التجاره موجوده شركت بقیه روز حساب میشود مبالغی كه برای استهلاك كسور اموال منقول و غیر منقول شركت منظور شده از مجموع عایدات غیر خالص موضوع میشود مشروط بر اینکه كسور واقعی بوده و مربوط بسالی باشد كه بحساب مالیاتی آن رسیدگی میشود. پس يك اصولی در اینجا نوشته شده در صورتیكه در قانون سابق بنده نمیدانم كدام قسمت است كه روشن تر بود و آنرا اینجا نیاروردم و اما راجع بانكه فرمودند خوبست مخارج را تعیین كنیم چه جور معین كنیم مبلغ معین كنیم یا نوع (كاشف - نوع) اگر نوع مقصود است كه ملاحظه باید كرد انواع و اقسام مخارجی كه ممكن است بیاید و در هر كدام چقدر باید بحث كرد و بعلاوه آن نوعی كه در مملكت دیگر ممكن بوده است جزء مخارج حساب بشود در اینجا ممكن است جزء مخارج حساب نشود و همینطور وارونه اش و بهمین مناسبت بود كه ما این را گذاشتیم در نظامنامه معین كنیم بعد هم ممكن است در محل منوجه بشویم كه اشتباه کرده ایم و باید تغییر داد در نظامنامه تغییر میدهیم اصلاح میکنیم در نظامنامه معلوم میشود كه عایدات جاری را حساب میکنیم مخارج را هم حساب میکنیم و باید از عایدات كسر شود عایدات خالص بدست آید همانطوری كه فرمودند آن اشخاصی كه حساب مرتبی ندارند ما هیچ چاره نداریم غیر از اینکه روی فریب عمل بكنیم گناه ما چیست كه آقا كسی حساب خودش را ندارد گناه دولت نیست اگر كسی نخواهد دفتر مرتبی داشته باشد اگر دار يك دفتر معینی كه روی آن نگاه میکنند اگر ندارد چاره چیست آقا! استخاره كه نمیتوانیم بكنیم. لابد باید روی يك بابیه ای برویم و آن بابیه فرائن است و اما راجع بانكه در يك

مخارجی ممكن است كشمكس بشود بنده تصدیق میکنم بدبختانه كه هر قدر ما نظامنامه بنویسیم باز يك اشخاصی هستند كه می آیند يك چیزهایی را هم كه در نظامنامه نوشته شده است كه نباید جزء مخارج حساب كرد میگویند باید جزء مخارج حساب بشود و باید كشمكس كرد و كاهی هم ممكن است يك چیزی پیش بیاید كه اصلاح جزه نظامنامه پیش بینی نشده است و بعداً باید پیش بینی بشود بعد هم يك عادتی است در همه جا معمول است كه مالیات بنده می آید در موقع مالیات حسابهایی را می آورد كه نمیشود قبول كرد خیلی این عمل شده است و میشود ثابت يك چیزی را جزء مخارج بگویند كه در حقیقت جزء منفعت او است نه مخارج چون این موضوع خیلی اتفاق افتاده است در خارج از ایران میبیند امسال متافع زیادی دارد اگر نخواهد از این متافع مالیات خودش را بدهد خیلی زیاد میشود برای خودش میل میخورد خانه میخورد میگوید این جزء مخارج من است محل آن شركت را میخورد همیشه عمل مالیه ها در خارج همینطور است میگوید خیر آقا شما تا حالا كرابه میدادید حالا میخواهید بخريد بخريد حرقی نداریم اما این را من جزء نفع خالص امسال حساب میکنم منتهای آن مبلغیكه هر سال كرابه میدادی ممكن است تمام عایدات را بصورت سرمایه در بیاورد این ترتیبی نیست كه بشود ازش جلو گیری كرد البته پیش خواهد آمد ولی البته در هر كشمكس باید انسان يك موازینی را تعیین كند كه كشمكس روی آن حل بشود این را هم بنده خیال میکنم ما در نظامنامه يك كاری میکنیم كه كشمكس حل بشود.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - آقایانی كه بورد در وارد موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده اول قرائت میشود

فصل اول - مالیات بر عایدات

ماده ۱ - از عایدات خالص مشمولین این قانون در صورتیكه از ۵۰۰۰۰ ریال در سال تجاوز كنند طبق مقررات ذیل مالیات اخذ خواهد شد

بصره ۱ - عایدات خالص از لحاظ این قانون عبارت از مجموع عایدات مؤدی است در دوره مالیاتی منهای مخارج جاری و مصارف شغلی در حدودیکه برای تحصیل و حفظ عایدات مزبور در دوره مالیاتی ضروری است

بصره ۲ - عایدات املاک اربابی و خالصه انتقالی و مستغلات مشمول قوانین مخصوص خود میباشد.

رئیس - آقای فهیمی موافقت؟

فهیمی - بنده عرض دارم

رئیس - بفرمائید

فهیمی - اگر نظر آقایان باشد در موقعی که آن لایحه مالیات بر عایدات سابق مطرح بود بنده اعتراض داشتم و گفتم که این مالیات عادلانه نیست و عادلانه ترین مالیات آن است که روی عواید اشخاص باشد و آن لایحه عیبی داشت که همانوقت عرض کردم یکی این بود که يك طبقه با کمال سهولت میتواند از نایبه مالیات مربوطه بخودشان فرار کنند چنانکه در عمل دیده شد و بالعکس بر يك طبقه تحمیلات زیاد از حد میشد زیرا مالیات بعضی از طبقات تجار و کسبه را روی میزان معاملاتشان فرار داده بودند و ممکن بود يك تاجری در سال بیست هزار تومان سی هزار تومان معامله کرده باشد ولی از اصل سرمایه اش هم ضرر کرده باشد معذرت مالیات را میداد خوشبختانه امروز نظری که بنده داشتم آقای وزیر مالیه در ضمن این لایحه بمجلس آورده اند و امیدواریم با کمال موافقت تصویب بشود بنده ابرادی که بنظر من رسید در طرز تحریر این ماده و این لایحه است زیرا این سه ماده اول باید مجموع قانون را بطور خلاصه معین کند یعنی در ماده اول اجازه برقراری مالیات ماده دوم مودیان ماده سوم معاینه از مالیات و به دستور کدبیطرز گرفتن مالیات ولی ماده اول يك عبارت می دارد که ظاهر آموخته تمام این قانون نیست مینویسد از عایدات خالص مشمول این قانون در صورتیکه همه مشمولین این قانون روی عایدات خالصشان مالیات نمیدهند يك طبقه هستند که از کل

عایداتشان مالیات میدهند در اینجا بدون استثناء و قیدی ذکر شده است از کلیه مشمولین از عایدات خالص آنها در صورتیکه عایدات خالص برای یکی دو طبقه است و برای همه نیست پس عبارت ماده اول را باید طوری نوشت که شامل همه بشود. یکی دیگر راجع بتعریف عایدات خالص بنده هم بگفتم با آقای کاشف موافقم که اگر قدری در این موضوع تصریح بشود بهتر است مثلاً اینجا قید کرده اند تا حدی که برای تحصیل و حفظ عایدات مزبور لازم است. يك مالیات بده در اینجا مدنی زحمت میکشد بعد دچار خرج و اشکال میشود و برای حفظ عایدات خودش نذر میکند بنگه معظمه مشرف بشود آنوقت این را جزء مخارج حساب میکنند یا نه. اشکال زیاد مابین مودیان مالیات و مأمورین در تشخیص عایدات خالص و نوع مخارج زیاد تولید میشود اگر چه پیش بینی کرده اند که در کمیسیون باستی نظامنامه تصویب بشود ولی بنده تصور میکنم آنچه هم باز آقای وزیر مالیه دچار اشکال بشوند اگر نوع مخارجی را که باید کسر شود قید میشد که از چه قبیل است و مسلم است مخارجی که برای تحصیل عایدی هر صاحب عایدی باید داشته باشد از چه قبیل است اینها را قید میکردند بهتر بود و صریح تر بود برای اینکه این قبیل قوانین هر چه در خود قانون روشن تر باشد اشکالات آن مابین مأمورین و مودیان کمتر خواهد بود. یکی دیگر در بصره ۲ قید کرده اند عایدات املاک اربابی و خالصه انتقالی و مستغلات مشمول قوانین مخصوص خود میباشد چون ما قانون گذرانیم که خالصه انتقالی از بین رفته دیگر این عبارت مورد ندارد همان بنویسند املاک اربابی و مستغلات کافی است و شامل همه خواهد بود دیگر خالصه انتقالی را اینجا زنده نکنیم بهتر است و این ماده را هم طوری باید نوشت که شامل تمام طبقات بشود و در ماده دوم همانطوری که عرض کردم مالیات دهندگان را معین کنند.

وزیر مالیه - اینکه فرمودند ماده اول طوری است که شامل همه نمیشود بنده چندان مخالف نیستم باصلاح

بنده حاضر ام اگر پیشنهادی بکنند قبول کنم زیرا مقصود یکی است ولی عبارت ماده که نوشته از عایدات خالص مشمولین این قانون در صورتیکه از پنجهزار ریال در سال تجاوز کند یا مستی اینقدر مالیات بدهد البته بعضی ها هستند که از پنجهزار ریال که تجاوز کرد نسبت بنام باید مالیات بدهند بعضی ها از پنجهزار ریال که تجاوز کرد نسبت به مزاد باید بدهند و این عبارت هم طوری نیست که با آن مواد متفاوت باشد با وجود این اگر طور دیگری نظرشان میرسد اشکالی ندارد. اما راجع بمسئله اساسی که فرمودند چه در فرمایشات آقای فهیمی وجه در فرمایشات آقای کاشف راجع بمخارج بنده تصور نمیکنم در اساس اختلافی بین آقایان باشد که باید در يك جای این معین باشد که آن مخارجی که باید کسر شود چه چیز است برای اینکه هر کس ممکن است يك جور تعبیر کند ولی بنده خیال میکنم که این در نظامنامه باشد بهتر است و هنوز هم این عقیده را دارم عقیده ام این است که اگر در يك نظامنامه باشد بهتر می شود تشریح کرد اگر بنده دیدم که لازم است تغییری داده شود و عمل نشان داد که اصلاحی لازم است بشود دیگر مجبور نیستم قانون را دست بزنم این نظر بنده بود بعد اگر پیشنهادی در این خصوص دارند و يك چیزهائی را لازم میدانند که در این جا نوشته شود و خیال میکنم خوب است پیشنهاد کنند شاید هم بیایم يك چیزهائی را اضافه کنیم مابقی را بگذاریم برای نظامنامه یا اینکه خیر همایش را در قانون بیاوریم یا اینکه خیر مصلحت این است که همه را بگذاریم در نظامنامه پیشنهاد کنند در کمیسیون صحبت بکنیم با حضور خودشان و اکثریت آقایان هر چه رأی بدهند ولی خواستم عرض بکنم که از نقطه نظر عمل بنده بهتر میدانم که در نظامنامه باشد و اما راجع به کلمه خالصه انتقالی که فرمودند این را یکی از آقایان در کمیسیون تذکر دادند که شما چون آمدید استثناء کردید املاک اربابی و مستغلات را آنوقت این اشکال پیدا میکند که خالصه انتقالی را کنار گذاشتیم بنده هم خیال میکنم که حرفی که در اینجا زدم صحیح است و به همین مناسبت هم قبول شد. خالصه انتقالی راست است که رفته است ولی يك مقداری هنوز باز خرید نشده است و روی همان پایه خالصه انتقالی

هنوز مالیات میدهند بنابراین آن تذکری که یکی از نمایندگان محترم در کمیسیون دادند بنظر بنده صحیح است مینماید اگر پیشنهادی آقا دارید بنده حرفی ندارم ولی غیر از مزدوعی برای اینکه وقتی معمولاً میگویند املاک مزدوعی باغات هم جزش می آید و تولید اشکال می شود در اصل مسئله هم که آن یکم يك همچو اشکالی پیدا شود

رئیس - آقای طباطبائی

طباطبائی دیبا - عرضی ندارم

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - بنده معتقدم این قانون در عین اینکه اصل موضوع آن مالیات بر عایدات است معذرت برای دولت عایدات بیشتری را تحصیل نمیکند و برای مردم هم يك زحمت زیادتری ایجاد میکند مشمولین این قانون سه طبقه اند دو طبقه از آنها يك طبقه مستخدمین و آنهایی که موظفند کار میکنند آنها تکلیفشان معلوم است حقوقشان هم معین است مالیاتشان را میدهند يك طبقه هم شرکتهای و تجار اشکالی ندارد نسبتاً عواید شان زیاد می شود فهمید ولی آن طبقه سوم که تقریباً شامل تمام اهل مملکت و تمام اهل شهرها می شود در هر شهری بین مأمور مالیه و آنها اصطکاک پیدا می شود یعنی هم برای مأمور مالیه اسباب اشکال می شود و هم برای مردم برای اینکه صحیح است یا آن فرمایشاتیکه آقای وزیر مالیه کردند پیش از یکمده برای تعیین مالیات اختلاف نمی شود ولی يك فقره اختلاف هم کافی است که تا آخر معتدل کند و مالیه هم زیاد کار دارد و باو نوبت نمی رسد و مؤدی مالیات هم از کسب و کار باز میماند و برای مالیه هم اضافه عایداتی حاصل نمی شود آنچه از مقدمه بیرون می آید و از آنچه که خود آقای وزیر مالیه فرمودند چون یکی دو طبقه در دست وظیفه خودشان را انجام نداده اند از قبیل اطباء و وکلاء عدلیه لهذا این قانون را عوض کردند بنده عقیده ام این است که در عمل ممکن است اینطور باشد ولی در عوض در طبقه تجار و اصناف بعکس شده اشخاصی هستند که عوایدشان بحدیکه حالا مالیات جواز میدهند بوده مثلاً تاجر درجه اول دوپست و بیجا تومان بدهد حالا

مطابق این قانون باید شش هزار تومان عایدی خالص او باشد حالا بهیندی که چند نفر تجار ممکن است دارای این مقدار عایدی باشند در صورتیکه اکثر تجار مالیات درجه اول را میدهند برای اینکه مزایای دارد در اطاق تجارت عضو می شود میتواند از قند و شکر دولتی بخرد اینها برای اینکه يك استفاده مالی برآورد آمده اند پول زیادتری بدولت میدهند ممکن است دیگران را هم در طبقه دیگرها و و کلاسه يك تشویقی بکنند و يك اعتباری برای آن جواز درجه اول فرار داده شود که اسباب تشویق نشود در هر حال اگر چنانچه يك مختصر اضافه عایداتی پیدا شود بنده برخلاف عقیده آقای نهیبی هستم صرفه با همان قانون است بلك مختصر اصلاح و ارزش این را ندارد که اهل مملکت با مأمورین مالیه در تمام سال کلاویز باشند برای مالیات و آخرش هم وقتی حساب میکند می بیند نسبت بقانون پیش یاصد هزار تومان کمتر باشد یا بیشتر بنده يك راهی را عرض میکنم که اگر چنانچه دولت متوجه بشود وقت بکند میلیونها در همان منابع اصلی عواید فرق بکند قانون مالیات تریاک و عواید تاکس تریاک و وقتیکه آوردند همه در فرا کسیون بدیم که خیلی بی ترتیب قرار داده اند تذکر هم دادیم کسی توجه نکرد انحصار را برداشتنند و يك ضوابطنامه که با هیچ منطقی موافقت نمیکند قرار دادند که اگر کسی مثلاً هزار صندوق خارج کنند دولت تومان بدهد اگر کسی دولت صندوق خارج کرد هفتصد تومان بدهد اصلاً این انحصار مثل این است که تعهد دارد صادر نشود در صورتیکه اگر چنانچه تاکس هست در هر حال باید مساوی باشد یکی از صادرات مهم ایران است در بازرسی امتحان شد وقتی بازرسی کران شد مصرفش بکلی از بین رفته بود بعد که کم شد عوایدش چندین برابر شد و همین تاکس صدور تریاک را بنده تمهید میکنم که اشخاصی که شکایت میکنند و وارد هستند که پنجاه تا صندوق تریاک را حاضر کرده اند و میخواهند صادر کنند میگویند صندوق دولت تومان بده آخر بچه بچه جهت و بچه مناسب هر چیزی باید يك تاکس معینی داشته باشد گمرک حکم تفاوت دارد يك من چیزی را که میبرند فلا نقدر

گمرک بدهند بدون هم کسب میبرند باید صد برابر بدهند به عقیده بنده همان قانون سابق را يك اصلاحی بکنند بهتر است و به عقیده بنده حضرت آقای وزیر مالیه که در دعوی هستند این قانونی که اصطکاک مردم را با مأمورین مالیه زیاد میکند معتقد بودم بیاورند و بنده عقیده دارم هر قدر ممکن است باید قانون را ساده تر کنند که اصطکاک مردم با مأمورین کمتر بشود سی میلیون عواید ما از قند و شکر است در گمرک گرفته میشود هیچکس هم حرفی ندارد چون مأمورین اصطکاک با مردم ندارند چندان تحمیل نمیشود سه میلیون مالیات ارضی است به بنید چه تشکیلاتی دارد و چه در شکایت و زحمت دارد تمام مالیات مزروعی را خودشان ملاحظه فرمائید که سه میلیون نمیشود پس برای اینکه خیال میکنید که یاصد هزار تومان بیشتر میشود آنوقت ارزش دارد؟؟ دو قسمش که اصلاً مثل سابق است قسمت مستخدمین که حرفی درش نیست قسمت شرکت هایتس هم که اشکالی ندارد ولی آن يك قسمش که مال اطباء یا و کلا باشد با تجار متفرقه باین دولت سبصد هزار تومان نمی ارزد که يك تشکیلاتی برای اجرای آن لازم دارید با آن اعضا که نمیشود برای اینکه همان محاکماتی که دارد با آن که نمیشود همان کمیسیون که هست با آن که نمیشود به عقیده بنده صرفی ندارد برای آن غیر از اینکه اجزاء را زیاد کنید اما نظر خودم را راجع با اصلاحش عرض میکنم در قسمت مستخدمین دولت که البته همینطور هست پیشنهاد بنده دو چیز است یکی این است که نسبت به اطباء و وکلای عدلیه ممکن است يك کمیسیون بکنند کمیونی که اعضایش هم معین باشد نه کمیسیون موهوم يك نفر از طرف مؤدی باشد بکنفر از طرف مالیه بکنفر هم از خارج برای اینکه آنها راه تحقیق عایداتشان بکنند مشکل تر است اما نسبت بسایرین اگر چنانچه بخواهند صرف نظر بکنند از این جواز ضرورت بیشتر است ممالک میگویند خوب حالا روی يك مأخذی هست معین شده اگر چنانچه از روی سرمایه بگیرند يك چیز جزئی مثلاً صدی نیم از سرمایه بگیرند

این تقریباً باین معادل شده تعیین سرمایه هم زحمتی ندارد سرمایه در دفتر معین است میگوید سرمایه من اینقدر است اینقدر محاکمه و کمیسیون لازم ندارد که از روی فرائین و امارات عایدی يك کسی را معین کردن اینها میشود وزیر مالیه - عرض کنم که البته در مسائل مالیاتی پیشینی کردن بطور قطع گفتن که تا این میزان این عایدات خواهد بود این يك امری نیست که يك شخصی که بخواهد حرف با اساسی بزند اقدام کند البته همیشه باید سعی کرد با مقنن درجه وقت حساب کرد البته باید سعی کرد يك مقداری پیشینی بشود که تقریباً همان قدر عاید بشود ولی همبدا ممکن است در حساب يك وقتی اشتباهاتی هم بشود باز که این مقدمه میخواهم عرض کنم که حسابی که ما کردیم این مالیات بیشتر از مالیات فعلی برای مایعایدات دارد در درجه اول برای همین منظور این قانون را آوردیم حالا آقای نماینده محترم نمیدانم چه جور حساب کرده اند که میگویند این عایدات بیشتری برای ما ندارد این را بنده حقیقتاً نمیدانم بله خیلی ممنون خواهم شد يك وقتی در خارج با وقتی که کمیسیون تشکیل میشود بیایند و این حساب را فرمایند بجهت اینکه اگر بنده بدانم که این برخلاف مصلحت است و بیشتر از آنچه وصول میشود است وصول نمیشود و کسری خواهد کرد مسلماً این کار را نخواهم کرد ولی تا وقتی که این مسئله را حساب نکرده اند و خلاف عقیده بنده ثابت نشده است بنده عقیده ام این است که اشتباه نکرده ام و به موجب این قانون بیشتر از آنچه که تا بحال بما عاید میشده است عاید خواهد شد اما اینکه فرمودند که این موجب زحمت زیادتری خواهد شد هنوز حقیقتاً بنده نفهمیدم برای اینکه ایشان میدانند که برای این رسیدگیها و این فرائین الان هم ما کشمکش داریم و دچار هستیم مگر شما تصور میکنید ما الان کشمکش نداریم با همین آقایانی که الان اظهار نامه داده اند با شرکتهای با همین تجاری که دفتر منظم دارند با تجار درجه اول و دوم یا اصناف درجه اول و دوم و سوم دارند مگر ما اختلاف نداریم یکی

میگوید من درجه اول لیستم درجه دوم هستم دیگری میگوید که من درجه چهارم هستم یکی دیگر میگوید که در شرکتهای این مقدار از مخارج را باید کسر بگذارند از کل عایدات تا عایدات خالص بدست بیاید برای اینکه ضروری بوده است ما میگوئیم خیر ضروری نبوده است و باید این مخارج موضوع نشود این کشمکش ها را حالا هم ما داریم اصلاً فرض اینکه شما بخواهید يك مالیات مستقیمی را وصول کنید و تماس با اشخاص نداشته باشد و کشمکش با اشخاص نداشته باشد و اصطکاک با اشخاص نداشته باشد نمیشود و محال است پس مسا این زحمت و تماس را البته داریم منتهی علاج دارد اختلاف پیدا میشود بین اصناف و تجار با ما باید مطابق همان قانونی که فرمودند بحکم و خیره رجوع شود او خیره اش حاضر نمیشود قبل از اینکه بنده در وزارت مالیه بروم يك لایحه در این خصوص تهیه شده بود که اگر حکمش حاضر نشد آنوقت او يك حکم دیگر باید معین کنند ولی بنده چون با اساس آن قانون موافق نبودم گفتم که نمیشود آنطور قرارداد و در نظر گرفته بودند که اگر حکم دومش هم حاضر نشد حکم ما رسیدگی کند و تمام کارها در قسمت وصول این مالیات الان هم کشمکش و زحمت دارد و تمام کار ما حالا نقی و انک است بدبختانه يك چیزی که باید در اخلاق ما وارد نشده است مخصوصاً در مملکت ما عادت نداشته اند و آن عبارت از دادن مالیات است کسی هنوز عادت نکرده است که مالیات را از جیبش در بیاورد و بدهد این کار را هنوز عادت ندارند و ما هم عادت نداریم که آنها را تشویق کنیم و واقعاً بآنها بفهمانیم که دادن مالیات يك تکلیف ملی است که اگر واقعاً افراد يك مملکت بخواهند از زندگانی آن مملکت استفاده کنند از همه چیز آن مملکت استفاده کنند از مخارجی که در آن مملکت میشود استفاده کنند ولیکن هیچکس نخواهد کمک کند یا مخارج وقتی هر کس پیش خودش حساب کند بگوید که اگر بنا باشد من کمک نکنم دیگری هم نکند دیگری هم نکند وضعیت چه خواهد شد وقتی که این فکر بیاید در کله مردم و بفهمند البته

کند مگر کم خواهد شد مگر نخوانده اید مگر نمیدانید که در يك مواقع خیل سخت که برای مالک دیگریش می آید چطور مردم آنجا که کم میکنند؟ چطور مردم مالیاتشان را از دست ببرند و میبرند از آنجا مگر نخوانده اید در روزنامه ها؟ (کازرونی - ابرانیها مطلع هستند) عرض کنم خدمت شما که بنده خودم ابرانی هستم و ابرانی را هم خیلی دوست میدارم ولی خواهش میکنم که تعارف زیاد با هم نکنیم ابرانی در دادن مالیات جان میکند تا بدهد خیر باید رفت و بهزار زحمت از سر گرفت چرا؟ چرا هم ندارد آقا همه سر و نه يك کرباسیم چرا این طور است؟ برای این است که اولاً يك مدت مدیدی مالیات داده است و به صرف صحیح رسیده است و خرج صحیح نکرده اند این فکر و عقیده کم کم در دماغش پیدا شده و بعضی عقاید هر که شاید پایه و اساس ندارد بيك عنوان مقدسی باو تزریق شده است که اصل دادن مالیات عمل خوبی نیست و ندادنش يك ثوابی هم دارد این طور فکر که مال دولت را خوردن ثواب هم دارد وقتی بنامش در يك مملکت پیدا شد چه چطور میتواند توقع داشته باشد از افرادش که حاضر بشوند قبل از وقت هم بروند مالیاتشان را بدهند این امر نمیتوانیم بگوئیم که گناه آنهاست ولی عرض میکنم که آقایان که آن طبقه منور الفکر این مملکت هستند باید باین افراد حالی کنند که مالیات دادن يك تکلیف ملی درجه اول است و واقفان این کلمه شاید از طرف بنده غریب نظر نباید حتی مالیات دادن برکت هم دارد برای این که اگر کسی آمد به عایدات مملکت کمک کرد همیشه بطور مستقیم عایدات خودش هم زیاد می شود. این است که بنده میگویم برکت هم دارد ولی توفیقی که این عقیده پیدا شده و اکثر این عقیده را ندارند این است که در موقع پرداخت مالیات با حسن نیت نمیدهند و میخواهند بکفندی کمتر داده باشند پس الآن هم ما این زحمت را داریم چه قانونی است این این لایحه و قانون فعلی همین است که ما آمده ایم و يك پایه عالی را برایش گذاشته ایم و نگذاشته ایم روی يك اصلی که واقفان غیر منصفانه باشد چون در عین این که دولت میخواهد عایدات مملکت کمک کند و مالیات خودش

را بگیرد حق و عدالت و انصاف را هم میخواهد مآخذ قرار دهد و نباید از يك عده برخلاف حق چیزی گرفت و تحویل کرد و نه از يك عده گرفته نشود و بر يك عده دیگر تحویل شود آقا میفرمایند که بعضی از تجار که امسال مالیات درجه اول دوست و پنجاه تومان داده اند باید شش هزار تومان عایدات خالص داشته باشد این است که واقفان از اشخاصی هم که آن عایدات را نداشتند باینسی گرفت این خوب کاری است که اگر شش هزار تومان هم عایدی نداشته باشد باز مالیات درجه اول را بدهد و با وجود اینها بنده کاری ندارم آقا پیشنهاد میفرمایند مستخدمین را يك قسمت علیحده و تجار را هم روی آن ترتیب اگر اکثریت مجلس موافقت کند برای تجار همان درجه اول و دوم و سوم و چهارم روی همان پایه باشد اگر این ترتیب موافقت شد و تصویب شد می رود روی آن ترتیب اگر این طور است ما هم این کار را میکنیم (دکتر طاهری - روی سرمایه) از روی سرمایه بنظر بنده خوب کاری نیست خوب کاری نیست که انسان بیاید و اساس مالیات را بر سرمایه قرار بدهد برای این که تمام آن چیزهای دیگری که شما ممکن بود مآخذ قرار دهد برای گرفتن مالیات در سرمایه نیست برای این که بنا بر سرمایه ایست که عایدات میدهد و يك سرمایه ایست که عایدات نمیدهد و اگر هر سال شما از و يك مبلغی بگیرد بعد از چند سالی تمام می شود مثل این است که شما سرمایه يك کسی را ازش بتدریج و اقساط بگیرید تا وقتی که دیگر مالیات نباید بدهد یا این است که يك وقتی سرمایه مآخذ مالیات میشود یعنی يك قرینه میشود یا این است که اصل مقدار سرمایه مآخذ می شود البته قرینه می شود بر این که این که البته میگویند فلاقت سرمایه قرینه است بر این قدر از عایدی این هم البته يك اشاره و قرینه ایست این را به تنهایی نمی شود مآخذ قرار داد بری این که از تنهایی سرمایه را مآخذ قرار دهند يك ظلم خیلی فاحشی است بنده ممکن است يك مقداری سرمایه داشته باشم و عایدات هم داشته باشد و ممکن است عایداتی نداشته باشد بنده به تنهایی سرمایه را در نظر گرفت و باید در قانون گذار حساب را هم در نظر داشت و این از قضا نظر حساب درست نمی شود شما وقتی که مالیات را میگیرید باید طوری

یکدیگر که اصل مبلغ ازین نرود باید طوری وصول شود که او هم بتواند تهیه عایدات بکند و آن سرمایه زیاد بشود و اگر از سرمایه گرفتید این عیب را خواهد داشت با وجود این اگر آقایان پیشنهادی دارند التفات کنند در کمیسیون مذاکره می شود. مسئله تا کس تر با کس تر چیزها را که فرمودید آقا فرمودند که منطقی نبوده است این فکر البته آنهایی که اعضاء کرده اند به هیئت دولت آمده است و هیئت دولت هم موافقت کرده است ممکن است اشتباه هم شده باشد مگر شما اشتباه نمیکید در زندگانی وقتی که يك هیئتی است دولت شد اشتباه نمیکند؟ او هم اشتباه میکند و حالا در این قسمت مشغول مطالعه هستیم بطوری که بر خلاف آن اعلانی هم که کرده ایم نباشد برای این که ما آمدیم همین کرده ایم که تا فلان تاریخ فلان تا کس باشد و هر روز تغییر دادش هم خوب نیست ولی در اساس فکر که باید آن تا کس باین باید بنده هم موافق و بنده خیال میکنم که آقایان کمک میکنند در این لایحه پیشنهاداتی اگر هست داده شود در مواد و طوری بشود که امروز شور اول این لایحه تمام بشود و خیلی وقت را نگیرد بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

کازرونی - بنده مخالفم. کافی نیست.

رئیس - بفرمائید.

کازرونی - عرض کنم که تجربه شده آقایانی که میگویند کافی است مذاکره تصویب ندارند که يك کلمه صحبت گفتند و شاید کاملاً هم موافقتند چه ضرر دارد اجازه بدهند اشخاصی هم که نظریاتی دارند اظهار گفتند شما چرا این حق را از من سلب میکنید؟! دلش چيست اجازه بدهید ما هم حرف بزنیم.

دشتی - بله آقا اجازه بدهید حرف زده شود لایحه مهتم است.

رئیس - آقایانی که موافقت دارند به ختم مذاکرات قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود کافی نیست. نوبه خود آقا است.

کازرونی - واقفان بنده اراده نداشتیم که در این

لایحه زیاد حرف بزنم برای اینکه آقای وزیر محترم مالیه از وضعیت بیشتر از بنده بلانکه بیشتر از اکثر ما مطلعند اما وظیفه دارند در مقابل این قانون این جا دفاع کنند بنابراین بنده دیدم اگر اینجا اظهاری بکنم معلوم نیست که نتیجه مهمی در اینجا داشته باشد لکن نظر با اظهاراتی که در اینجا شد مجبور شدم اینجا چند کلمه حرف بزنم به عقیده بنده گمان عقیده يك خیابانی است زیرا که عقیده بنده بجهت بهبودی اوضاع مملکت است و قسم هم خورده ایم و باید همینطور عمل کنیم بنده عرض میکنم که مردم ایران مطلع هستند مردم ایران واقفان شاه پرست هستند و کاملاً مطمئن بنده ادعا میکنم که در تمام اقطار عالم ملتی مطلع تر از ملت ایران نیست در زمانی اندک ملاحظه کنید چه قانون چه مالیاتی چه چیزهایی وضع شد که اظهارش و تکرارش خوب نیست معذک سؤوال میکنم کی بوده است که استتکاف کرده است از اطاعت قوانین خود آقای وزیر مالیه اظهار فرمودند نهایت میفرمایند که بعضیها آمدند و سه استفاده کردند از قانون قانون اجازه داده است بيك نفر تاجر که خود را در درجه اول حساب میکند با درجه سوم این را قانون اجازه داده (استدعا میکنم گوش کنید و توجه بفرمائید) بکنفر خود را در درجه اول صورت داده است بکنفر دیگر مصلحت خود را در این تشخیص داده است که از درجه سوم باشد اینها خیانت نیست. بنده خیلی متناسفم که در مقدمه قانون دولت میگوید برای این که يك عدالت و انصافی مرعی شده باشد ما این قانون را آوردیم که از مجلس بگذرانیم در صورتیکه بنده هر چه فکر میکنم حکم کردن بر طبق حدس و تخمین نمیدانم با چه عدالت و انصافی ممکن است تطبیق کنند حدس کی؟ تطبیق کی؟ کیست که بتواند عوائد شخصی خودش را واقعاً تشخیص بدهد بنده عوائد حاصل عوائد تجارت فرزند خود را راستی راستی نمیتوانم تشخیص بدهم حالا تشخیص کیست تشخیص بيك نفر آدم با بيك حقوق متناسب که نخواهد بود بهمان ترتیبی که برای ترديد بود که اشخاصی را با بيك حقوقهای

حکمی استخفاف کردند این اشخاص به نشینند و کپیون گفتند که من بزازم 'عطارم' ارسی دوزم از چه چیز من میفهمند که من عواندم زیاد است آدم قطوری هستم؟! خوش صورت هستم؟ دکاتم گرم و مشتری زیاد دارم هیچک از اینها خدا میداند و خدا گواهد است دلیل زیادی وکی عایدات نیست خرج زیاد کردن دلیل بر زیادی عایدات نیست يك اشخاصی هستند که در زندگانی يك طرز و اسلوبی برای زندگی دارند بالاخره ناچارند بهر بدبختی است این طرز و اسلوب خودش را از پیش ببرد لکن فلان تاجر و فلان کاسب زندگی عادی دارد يك عواند سرشاری هم ممکن است داشته باشد اما هیچ معلوم نمیشود در هر صورت حدس یعنی چه؟ تخمین یعنی چه؟ بنده از دهانند مراجعت میکردم در يك اتوبوس بودم بدروازه که رسیدم دیدم که آن اتوبوس تقریباً چهل مسافر دارد و بارش هم زیاد است آمدم باقی که با چرتکه بروم تا پیاده شدم آن صاحب اتوبوس با يك فقر صحبتهایی داشتند اتوبوس با بارش بدون تعرض رد شد آنوقت يك نفر آدم کوچکولو آمد جلوی من گفت بایست فرمان داد من هم ایستادم تعجب کردم چه میخواهد بکند گفت می خواهم تقیبت کنم گفتم تقیبتش چه؟ آقا من در دهانند رفتم برای بیبلاق گفت میخواهم برای تریاک تقیبتش کنم گفتم تریاک من؟ چطور اتوبوس باین بزرگی را تقیبتش نکردی گفت حرف زیاد ترن من ترسیدم که اگر حرفی بزنم بگوید بیا اعیبه و مرا ببرند بیفدازند نوی هادانی خدا بدر يك کسی را بیافزود که مرا شناخت بواشکی بار گفت و بعد اشاره کرد که برو خدا پدرش را بیامرزد حالا این خوب ملاحظه بفرمائید این يك آدم بسیار کوچکولو نه يك آدم بسیار بزرگ فرق نمیکند بفرمائید از روی حدس و تخمین تشخیص میدهند بنده عقیده ام این است که با این علاقه و ارتباط معنوی که مردم نسبت باعلیحضرت شاهنشاهی دارند نسبت بدولت دارند باید این مردم را تشویق کرد و بیشتر بدولت

تزیك کرد اما این تعرضات روز افزون اینطوری واقعا مردم را افسرده میکند مردم آبروی خودشان را میخواهند بنده میگویم خیلی خبرها دارم که نمیخواهم اسم ببرم يك مقدار کمی که بر يك قلم مالیات غیر مستقیم اضافه شود مبلغ زیادی میشود و مردم کل اطاعت را دارند ولی این قسمت دویست هزار تومان مالیات مستقیم در تمام اقطار مملکت با مردم تماس دارد تمام مملکت ما که منحصر بتاجر و آوگا و دکتر درجه اول که نیست شما همین که از طهران بیرون بروید هر چه می بینید کاسب است بقال است 'عطار است' سبزی فروش است 'گوشه فروش است' هر چه بروید می بینید بالاخره تمام شهرها تقسیم میشود باصناف متنوعه آنوقت این عطار و بقال و اصناف و قصایر چه جور عایداتش را در نظر میگیرید. و پس از آنکه مالیات گرفته شد و پول را داد اینجا نوشته است که اگر تعرضی دارد برود شکایت کند اصناف بدعید این پولی که از این کاسب بدبخت اضافه گرفتند کجا میتواند برود در حالیه و یکسال معطل شود و گفتگو کند و آخر هم معلوم نیست چه میشود این بیچاره از زندگی باز میماند نظر بدولت مردم به آن دسته که فرمودند نیست گفتگوی بنده نسبت با کثرت مردم است بنده نظرم نسبت به آن تشخیص است که از تخمین و اینها معلوم میشود والا بااصل مباحثی که میگوید بنده کاملاً موافقم يك حدی هم اضافه کنید بگردن بنده که مسلمانم و میگویند عقیده نداری بگردن من آنچه را که میگیرید اما بشرط اینکه این فریب را مسترد بدارید و يك راه حل بهتری در نظر بگیرید البته حالا بنده همراه تبارم نشان بدهم که آرا عرض کنم باطل بشود ولی عرض میکنم این را که میخواهید از روی حدس و تخمین بگیرید فساد است باید قانون را يك طوری نوشت که بکطرفی باشد قانون باید طرفینی باشد این عقیده بنده است.

ولیر مالیه - اول برداشت بیانات نماینده محترم از اینجا شد که مردم مطیع هستند البته مردم فکلهشان این است که نسبت بدولت اطاعت داشته باشند و از تکالیف ملی

افراد هر مملکتی است که باید اطاعت بکنند و البته از قوانین باید اطاعت بکنند و دولت هم چیزی بر خلاف قانون نمیخواهد و البته تکالیف ملی هر فردی این است که از دولت خودش اطاعت کند و از قوانین مملکت اطاعت کند (کارروئی - سابق اینطور بود حالا اینطور است) ولیکن مطالب در این نیست که مردم مطیع هستند و هر قانونی میگذرانند البته هیچ نمیگویند گفتگو در این است که قانون را میگذرانند و میگویند از روی عایدات بفلان نسبت باید مالیات بدهید از آقا سؤال میکنم که اگر آقا را مسئول کارروئی تنها بکنیم (مقصودم چیزی نبود) کاشان و بگویند آقا شما قبول کنید که مطابق آن عایداتی که مردم میگویند شما مطابق آن وصول کنید این کار را مکنید؟ میتوانی آن اطاعت اخلاقی را که میفرمایید کاملاً اطمینان بدهید؟ بکن نمیکنم آن اطاعت اخلاقی وقتی که در يك ملتی پیدا شد (بدبختانه همه مال دنیا هم بآن درجه رسیده اند نمیخواهم از خودم آن چیزی بگویم و قائل باشم که دیگران چطورند خیر در سایر جاهای همین طور است اختصاص باندازه منتهای اینکه دردی که از دیگران متوجه این مسائل مهم و وظائف ملی خودمان هستیم) اگر درجه اخلاقی بجائی برسد که هر کسی برود بگوید من اینقدر عایدات دارم و قانون هم میگوید که این مقدار عایدی باید آنقدر مالیات بدهد این دیگر محتاج به کشش و کپیون و رسیدگی و این فریب ها نیست ولی اینطور نیست مقصودی که بنده گفتم این بود و عبارت خود بنده را گرفتن و بر گرداندن بيك صورت دیگری و شروع کردن بتفقیتهائی که مخصوص چندسال پیش آقا است میدانند که بنده هم بلدم اینطور حرف بزنم ولی وادارم بکنید این قانون میگوید که مالیات را روی قوانین بگیرید تمام کارهای شما و مردم روی چه قاعده است؟ روی همین قوانین آقا زندگانی تمام مردم همه افراد روی همین قوانین است قوانین را هم تکفیم آنچه که بنظر من برسد یا بنظر مأمور مالیه برسد میگوید قوانینی که در نظامنامه معین میشود و آن نظامنامه هم در کسبون قوانین مالیه تصویب میشود و

معلوم میشود که چه چیزها را باید فرینه گرفت برای دارائی و در هر عمل بویین میکنند که این فرینه و نشانه چه اندازه دارائی و عایدات است این قوانین است و این نشانه ها است که میشود تا اندازه نزدیک بحقیقت شد و سعی کرد که خیلی دور از منطق حدس زده نشود آقا بر این ایراد میکنند و میگویند فرینه ممکن است کافی نباشد بلی ممکن است نقص داشته باشد هم ترش را بفرمایید بعد آمدند آقا بیست نهاد کردند که این مالیات را لغو میکنند بطور غیر مستقیم مالیات بگیرند مالیات غیر مستقیم از مالیاتهای است که بنده اصولاً طرفدارش نیستم مخصوصاً در این مملکت که گرفتنش هم سهل است و وقت وصول مردم آنقدر متوجه نمیشوند چاهای دیگر دنیا هم اینطور است ولی اگر يك مالیات مستقیم سهل الوصول پیدا کردید هم آرا میگیریم هم اینرا برای اینکه آنچه که میگیریم که بنده نوی جیبیم تیریزم هر قدر از مردم گرفته شود از برایشان خرج میشود مگر این کارهایی که میشود خرج ندارد؟ هر قدر گرفته شود خرج میشود این کارهایی که میشود از کجا باید کرد هر چه که بیشتر بتوانید راه پیدا کنید از برای عایدات بهتر است آرا باید گرفت و خرج مملکت کرد این است که بنده میگویم اینرا خواهیم گرفت وهم اگر راه بهتری بود آرا خواهیم گرفت آقا میگویند اگر مالیات گرفتن بد است بنا بر این بنده با ترس و لرز مالیات بدهیم طرز فکر بنده این است که باید افراد را وادار کرد همانند حالیشان کرد اگر بمیلی فتد بقوه قهریه مملکت ایشان چیزی را که مصلحت هست گرفت و بخرجی که از برای ترقی و سعادت مملکت لازم است زد پس از دو سال سه سال همان اشخاصی که اول نمیفهمیدند همان اشخاص میگویند خوب شد و همان اشخاص ازش استفاده میکنند و اگر خودشان آنقدر کند فهم بودند اولادهاشان لااقل خواهند فهمید والا هیچوقت بنده باین فکر نمی افتم که بیایم این مالیات را لغو کنم و بيك مالیات غیر مستقیم بجای این گرفته شود صرف نظر از اینکه اگر بتوانیم يك اهم بزرگی پیدا کنیم بالا تر از حق و عدالت باید بگوئیم مالیات بر عایدات است مالیات غیر مستقیم از

تعمای نظر وصول خبلی خوب است ولی بد بختانه مالیات بر مصرف است شما می آید بر مصرف اشخاص مالیات می بندید ممکن است يك اشخاصی عایدات زیاد داشته باشند ولی مصرف کم بکنند اینها این مالیات را ندهند و يك کس دیگر از آن خرج ضروری اولیه خودش که باید مصرف کند مالیات بدهد این است که غیر عادلانه است ولی با وجود این اگر در تمام دنیا آمدند و مالیات غیر مستقیم را گرفته اند و عمل کرده اند برای چیست برای این حرفهای آقا و امثال آنهاست برای این است که میگویند آنها مستقیماً از جیب من چیزی در نیارند و مستقیماً نگو چیزی بده و لیکن بهر شکل دیگر ممکن است از هر کسی که میخواهد مالیات بگیرد من سعی میکنم از مصرف خودم کم میکنم و کتر مالیات میدهم بهمن جهت اغلب جاها آمده اند هر دو قسم مالیات را میگیرند هم مالیات مستقیم میگیرند از کسانی که کم مصرف میکنند و هم مالیات غیر مستقیم و بالاخره نباید گذاشت يك کسی بیاید و باج و زکوة و مالیات آنچه که عایدات دارد و وظیفه ملی او است آنرا ندهد باید عادت کرد بدادن آن چیزی که مخارج مملکت و از آن مخارج استفاده میشود . مالیات غیر مستقیم که چه برای مالیه در وصول سهلتر است ولی بنده نمیتوانم چیزی این مالیات بگذارم باز هم عرض میکنم که پیشنهاد مفیدتری اگر دارید که این مالیات بهاند و در تماس هم باشیم با مردم و خودشان هم بیاورند و بدهند و کم هم نداده باشند عایدات ما هم خوب باشد بنده فوراً این لایحه خودم را بر میدارم و با پیشنهاد آقا موافقت میکنم .

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود :

پیشنهاد آقای موقل

بنده پیشنهاد میکنم در ماده اول بجای (۵۰۰۰۰ ریال) نوشته شود (۷۲۰۰۰ ریال) .

پیشنهاد آقای افسر

چون در موقع مجزی تمام آنچه روئیده میشود بر آورد میکنند و صدی هفت هفت میکنند مستاجر ملک منافع

که میبرد جزو همین روئیدنی است لهذا بنده پیشنهاد میکنم آنچه فوایدی که از اجاره کاری پیدا میشود باید مثل منافع املاک استثناء بشود .

پیشنهاد آقای دکتر طاهری

پیشنهاد میشود ماده اول حذف شود .

پیشنهاد آقای کاشف

الحاق جمله ذیل را به آخر تبصره اول پیشنهاد میکنم: تعیین این ضرورت در صورت اختلاف از طرف کمیسیونی که مرکب از يك نفر از اعضاء اطاق تجارت و حاکم محل و یک نفر از اعضاء انجمن بلدی باشد بعمل خواهد آمد و حکم کمیسیون مزبور با کفایت قطع خواهد بود .

پیشنهاد آقای طباطبائی دینا

پیشنهاد می نمایم که ماده اول لایحه دولت عیناً مطرح و تصویب شود .

(۹- موافق و دستور جلسه بعد - ختم جلسه)

رئیس - پیشنهاد شده است جلسه را ختم کنیم (صحیح است)

ولیر مالیه - چون يك قسمت از آقایان میل دارند غذایشان را مرتب میل کنند و یکساعت بعد از ظهر است (افسر - ناخوش هستند) خوب همه شان که ناخوش نیستند لایحه هم مواد دارد و بنده خودم هم خیلی موافق بودم که آقایان زیاد مذاکره و بحث کنند و همه مطلب را بفهمند در ضمن خواستم يك تقاضائی بکنم که بنا بر جلسه خبلی نزدیکتر قرار داده شود و آقایان هم قول بدهند که اول وقتی که معین میشود با نیمساعت اختلاف از وقت مقرر آقایان حاضر شوند (نایبندگان - همیشه حاضر میشوند) ممکن است شبیه عصر معین شود و یکشنبه صبح هم برای اجتناب رئیس - ما امروز برای مطالعه در کار لایحه باید بر عایدات آمدم اگر نظر آقا باشد خود بنده از اول هیچ کاری را نمی پذیرفتم و تنها مترصد بودم که این کار تمام باشد و خودتان ارفاق فرمودید و ساعت مقرر را به آقای وزیر طرق دادید و رفقای ما سه ساعت تمدد است که کم میکنند و بعد هم هر قدر لازم باشد ما حاضریم و کلام میکنم

و از طرف ما هیچوقت قصوری در انجام کارهایی که به نفع مملکت است نمیشود
ولیر مالیه - خوب یا این فرمایشاتی که آقای رئیس میفرمایند و البته مقصود قصوری هم نبود حالا که اینطور است موافقت فرمایید جلسه شبیه عصر مقرر شود و یکشنبه صبح برای اینکه یکشنبه صبح بنده میترسم که این لایحه تمام نشود .

رئیس - اینطور میکنیم آقای وزیر مالیه یکشنبه صبح را جلسه میکنیم و مهیور باشد که اگر لایحه تمام نشد عصر هم جلسه باشد بنا بر این جلسه آنچه یکشنبه ۲۱ سه ساعت قبل از ظهر دستور بده شور لایحه مالیات بر عایدات (مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

یکصد و پنجاه هزار لیره اعتبار برای خریداری واگون و لکوموتیو راه آهن

ماده واحده - وزارت مالیه اجازه داده میشود معادل مبلغ یکصد و پنجاه هزار لیره از وجوه انحصار قند و شکر و چای برای خریداری واگون و لکوموتیو و اشیاء لازمه تعمیرات واگون و لکوموتیوهای فعلی راه آهن با اختیار وزارت طرق بگذارد.

این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه هیجدهم آبان ماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی تصویب مجلس شورای ملی رسید.
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

اعتراضات اضافی برای معارف - اختتامی طرق در سال ۱۳۱۲

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است از وجوه ذخیره مملکتی مبلغ ۷۸۵۰۰۰۰۰ ریال برای معارف ساختمانی طرق در سال ۱۳۱۲ بوزارت طرق پردازد.

این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه هیجدهم آبان ماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی تصویب مجلس شورای ملی رسید.
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

واجب بایدارت و مخارج قسمتهای راه آهن شمال و جنوب و آذربایجان و زاهدان

ماده واحده - وزارت مالیه اجازه داده می شود مخارج بهره برداری قسمتهای راه آهن شمال و جنوب و همچنین مخارج راه آهن و کشتی رانی آذربایجان و معارف خط آهن زاهدان را بر طبق بودجه که هر سال بتاسب احتیاجات آن قسمت ها تنظیم می شود از عایدات قسمتهای مزبور بوزارت طرق پردازد و هرگاه عایدات هر قسمت نسبت به مخارج آن کسر باشد از وجوه انحصار قند و شکر پرداخته بحساب فرض آن قسمت منظور دزد و در صورت اضافه بجمع عایدات قند و شکر و چای وارد نماید.

تبصره ۱ - ترتیب محاسبات قسمتهای بهره برداری شمال و جنوب و آذربایجان و مخارج خط زاهدان از اول سال ۱۳۱۲ مطابق مقررات این ماده معمول گردید و مبلغ پانصد هزار ریال که بموجب قانون مصوب دوم مهرماه ۱۳۱۲ از محل صرفه جوئی بودجه کل مملکتی برای راه آهن و کشتی رانی آذربایجان فرض داده شده منسوخ و مبلغ ۱۳۰۳۲۰۰ ریال دینی که مؤسسه راه آهن و کشتی رانی آذربایجان بایدارت مالیات راه دارد پس داده می شود.

تبصره ۲ - قسمتی از ماده ۲۳ قانون متمم بودجه ۱۳۱۲ مملکتی که مربوط برای راه آهن آذربایجان است و هم چنین ماده ۳۰ قانون مزبور و قانون استقراض ۵۰۰۰۰۰۰ ریال مصوب دوم مهرماه ۱۳۱۲ که اصطلاحاً با این قانون دارد ملغی می شود.

این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه هیجدهم آبان ماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی تصویب مجلس شورای ملی رسید.
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر